

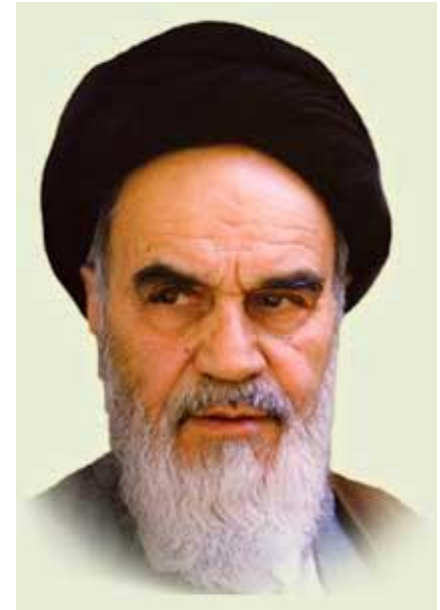
استاذ الحرم الجامعي



صلوات خاصہ حضرت امام رضا علیہ السلام

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى
الْإِمَامِ النَّقِيِّ النَّقِيِّ وَجَحَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ
وَمَنْ تَحْتَ الثَّرَى الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ صَلَاةً كَثِيرًا
ثَامَةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَارَةً مُتَرَادِفَةً كَأَفْضَلِ مَا
صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَاءِكَ





«پوشیده نماند که هیچ یک از انبیاء عظام، جلوی شهوت و غضب و وهم را به طور کلی نگرفته اند، و هیچ داعی الی الله تاکنون نگفته است باید شهوت را به کلی کشت و آتش غضب را به کلی خاموش کرد و تدبیر «وهم» را از دست داد؛ بلکه فرموده اند باید جلو آنها را گرفت که در تحت میزان عقلی و قانون الهی انجام وظیفه دهند؛ زیرا این قوا هر یک می خواهند کار خود را انجام دهند و به مقصود خویش نائل شوند؛ اگرچه مستلزم فساد و هرج و مرج هم شود»

(شرح چهل حدیث، صص ۱۶-۱۷)



«محیط خانواده، محیط آرامش است. باید محیط آرامش باشد. این عاطفه ای که در زن و مرد نسبت به هم وجود دارد، به این آرامش درونی کمک می کند. این سکونت، این آرامش، به معنای آرامش در مقابل حرکت نیست، حرکت خوب است، این به معنای آرامش در مقابل تلاطم است..»

(نشریه «شمیم یاس» اردیبهشت ۱۳۸۴ شماره ۲۶)

دانش خا نواره و جمعیت



دانش خانواده و جمعیت

کلیات و مفاهیم
نیازها عاطفی و تامین آن

((فصل اول))

مقدمه و کلیات

* الف: ویژگی های انسان

* ب: نیازهای اساسی انسان

فصل اول : مقدمه

اولاً : انسان موجودی دو بعدی است .

انسان موجودی دو بُعدی است؛ یکی جنبه مادی و جسمانی و دیگری جنبه فرامادی و روحی که از آن به «روح الهی» یاد شده است و بدنی جسمانی که بستری برای رشد روح و وسیله‌ای برای خدمت‌گزاری به روح است.

قرآن کریم می‌فرماید : «قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ» کلمه «توفی» به معنای گرفتن و اخذ تمام یک چیز است، و آیه نیز می‌گوید: «یتوفاکم» یعنی فرشته قبض روح، آن اصل و حقیقت شما را می‌گیرد. در آیه دیگری خطاب به حضرت یونس فرمود: «فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ آيَةً» پس امروز تو را با بدنت نجات می‌دهیم تا برای کسانی که از پی تو می‌آیند عبرتی باشد.

فصل اول :

ثانیاً : انسان یک موجود اجتماعی است .

انسان یک موجود اجتماعی است و اجتماع از خانواده و خانواده با ازدواج شکل می گیرد. اراده عالمانه و حکیمانه خدای متعال در نظام هستی برایین تعلق گرفته که موجودات جفت باشند. قرآن کریم قرن‌ها قبل از رنسانس به زوجیت در عالم تصریح دارد: «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» .

از عالم عناصر گرفته تا نباتات و حیوانات و انسان در همه زوجیت حاکم است عناصر برای پایداری، سازگاری و آرامش نیاز به هم سنخ دارند. خداوند در آیه ۴۹ سوره ذاریات فرمود: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»

فصل اول :

کارکرد اجتماعی بودن

البته خلقت عالم بطور زوج دارای کارکردهای بسیاری است که دو مورد آن عبارتند از:

۱. **تنوع و تکامل:** موجودات تکامل یافته به دلیل وجود دو جنس نر و ماده، به صورت های بی شماری تکثیر می شوند که هر یک از آنها به شکل خاص خود در برابر تغییرات محیط واکنش نشان می دهند . ایجاد تنوع در مورد نوع انسان اهمتی دیگری نیز دارد و آن اینکه انسان نمی تواند به صورت فردی زندگی کند، بلکه برای تأمین نیازهای خود ناگزیر است در اجتماع باشد.

۲. **تعادل و آرامش:** از آنجا که این دو جنس یکسان نبوده و هر یک واجد چیزی است که دیگری آن را ندارد، میل به قرار گرفتن در کنار یکدیگر در آنها ایجاد می شود. در نتیجه هر یک مکمل دیگری شده و بدین طریق آرامش می یابند؛ چنان که در قرآن نیز یکی از اهداف ازدواج، سکونت و آرامش آدمی دانسته شده است.

فصل اول :

ثالثاً : انسان موجودی سه ساحتی است .

در یک نگاه به طور کلی ابعاد و ساحت‌های وجودی نفس و روح را می‌توان به سه ساحت تقسیم نمود:

نخست ؛ ساحت شناختی انسان

یکی از مهمترین و بنیادی‌ترین ابعاد وجودی انسان، جنبه معرفتی و شناختی اوست. جنبه شناختی انسان دارای مراتب گوناگونی می‌باشد؛ برخی از آنها با حیوانات مشترک است؛ مانند شناخت حسی و خیالی. برخی از مراتب آن مختص به انسان می‌باشد؛ مانند شناخت وهمی، عقلی و توانایی تفکر و اندیشه‌ورزی. برخی دیگر هم معرفت و شناخت شهودی انسان است.

فصل اول :

دوم ؛ ساحت ارادی انسان (انگیزه)

انسان موجودی انتخاب‌گر و مختار است و بر سر دو راهی‌ها دست به گزینش و انتخاب می‌زند. یکی از ملاک‌های ارزشمندی انسان که او را از حیوانات متمایز می‌نماید توان گزینشگری و اختیار اوست. قرآن کریم در تائید این جنبه وجودی انسان می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» و یا «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» و دیگر : «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ»

فصل اول :

سوم ؛ ساحت عاطفی انسان

انسان موجودی است آمیخته از عقل و عاطفه، عشق و اندیشه؛ و هر یک از این دو بُعد نقش اساسی در به حرکت درآوردن و تعالی بخشیدن به انسان دارند ؛ در این بعد انسان است که دو نیاز عاطفی و جنسی او شکل گرفته و تجلی می یابد. خداوند در سوره بقره فرمودند : «مِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» و برخی از مردم به جای خدا همتیانی (از بت ها و ستارگان و اجنه) برمیگزینند که آنها را چنان که باید خدا را دوست داشت دوست می دارند، ولی کسانی که ایمان آورده اند محبتشان به خداوند بیشتر است . (البقره آیه : ۱۶۵)

فصل اول :

اقسام بعد عاطفی

بعضی از اندیشمندان بعد عاطفی و گرایشی انسان را به دو دسته تقسیم می کنند :

الف ؛ گرایش های حیوانی : که شامل آن دسته از گرایش های مشترک بین انسان و حیوان است ، مانند گرایش به حفظ و صیانت از خود و میل به جنس مخالف و مانند آن.

ب ؛ گرایش های انسانی : که عبارت باشد از گرایش های مختص به انسان مانند «خداخواهی و خداگرایی» ، «زیبا دوستی» ، میل و محبت به خداوند و چیزی که امیر المومنین علیه السلام در قالب دعایی در مورد آن می فرماید : « خداوندا تو قلب ها را بر محبت خود آفریدی»

فصل اول :

نیازهای انسان

بنابر آنچه گفته شد؛ خلقت انسان اینگونه است که نیازهای متعددی، از نیازهای اولیه و فیزیولوژیکی تا نیازهای اجتماعی و معنوی و عالی را در بر می گیرد. دو تا از نیازهای مهم بشر که به بحث ما مرتبط اند عبارتند از :

یک؛ نیاز احساسی - عاطفی: هر فردی، هم به ارتباط و تعامل با دیگران نیازمند است و هم به محبت کردن و مورد محبت واقع شدن. «مزلو»، روان شناس انسان گرا، در بیان سلسله نیازهای انسان، سومین نیاز اساسی وی را **تعلق پذیری و محبت می داند** که از طریق رابطه صمیمی با یک دوست، محبوب، همسر یا از طریق روابط اجتماعی در گروه برآورده می شود.

فصل اول :

نیاز عاطفی به جنس مخالف در جوانی به اوج خود می رسد در آموزه های دینی نیز ، برآورده شدن نیاز عاطفی و تأمین آرامش در چارچوب ازدواج توصیه و مجاز شمرده شده است.

دو. نیاز غریزی - جنسی:

یکی از مهم ترین نیازهای زیستی، ارضای غریزه ی جنسی است. «مزلو» نیز نیاز فیزیولوژیک را اولین نیاز ضروری انسان برمی شمارد که شامل نیاز به غذا، آب و ارضای غریزه جنسی می باشد.

((فصل دوم))

نظریه های تامین نیاز های عاطفی - جنسی

* الف: نظریه تفریطی

* ب: نظریه افراطی

* ج: نظریه معتدل

فصل دوم :

راهکارهای سه گانه:

در مسأله ی غریزه جنسی که از نیرومندترین غرائز است نیز مطلب همین گونه است، که در قبال آن سه راه وجود دارد:

یکم؛ نظریه تفریطی: تعطیل کردن غریزه جنسی از طریق سرکوب و رهبانیت.

دوم؛ نظریه افراطی: روابط آزاد جنسی – عاطفی و اشباع آن از راههای انحرافی.

سوم؛ نظریه معتدل: ازدواج و اشباع غریزه جنسی و عاطفی به طور صحیح و مناسب.

فصل دوم :

راه اول؛ نظریه تفریطی

سرکوب غریزه جنسی به این معناست که این غریزه به طور کلی نادیده گرفته شود و نیازهای جنسی انکار گردد و با آن مقابله شود مانند اقداماتی که بعضی از **مرتاضان هندی** انجام میدهند و علاوه بر اینکه غریزه جنسی و نیازهای آنرا نادیده میگیرند حتی کارهایی انجام میدهند که به نوعی عقیم شدن منتهی میگردد و یا در مذهب **مسیحیت کاتولیک** نیز غریزه جنسی و ارضای آن پلید و دنیوی و شیطانی انگاشته و ازدواج را برای راهبان و روحانیان خود ممنوع مینمایند.

فصل دوم :

پیشنهاد این نظریه این است که غریزه را (باعقیم کردن و) از بین ببریم،

و یا از طریق رهبانیت و گوشه نشینی سرکوب نمائیم . پر واضح است

که چنین اقدامی هرگز عاقلانه نیست، زیرا این کار یک نوع مبارزه با

قانون آفرینش است ، و هیچ عاقلی به نقص عضو و سرکوبی و تعطیلی

غرایز راضی نخواهد شد. این اقدام به لحاظ فردی ، خانوادگی ، و

اجتماعی خطرناک و دارای عوارض غیر قابل جبران است.

فصل دوم :

رهبران مسیحی نیز هرچند ازدواج را به طور کلی تحریم نمی کنند، اما آن را عملی ذاتاً پلید می دانند. مسیحیت، برای مسیحیان عادی تنها به دو علت ازدواج را مشروع می داند: **نخست**؛ حفظ نسل. **دوم**؛ هنگامی که ترک ازدواج سبب ابتلا به فحشا، زنا و مانند آن گردد. اما پرهیز از غریزه جنسی برای آنان که داعیه رسیدن به مقام پیشوایی را دارند شرط الزامی است، کسی که می خواهد رهبری دینی مردم را بر عهده بگیرد باید، همچون عیسی مسیح(ع) که تا آخر عمر مجرد باقی ماند، در سراسر عمر خود از آمیزش جنسی دوری کرده باشد. بر همین اساس، کسی می تواند به مقام «پاپی» برسد که هرگز ازدواج نکرده باشد .

فصل دوم :

بانوئی به حضور امام صادق (ع) آمد و عرض کرد: من زن «مُتَبَتِّلَه» ، (وارسته و تارک دنیا) هستم.

امام صادق (ع) فرمود: منظورت از این جمله چیست؟

بانو گفت : ازدواج نمی کنم (و لذت های غریزه جنسی را به خاطر زهد و وارستگی، ترک کرده ام)

امام صادق (ع) فرمود: چرا ازدواج نمی کنی؟

بانو گفت : می خواهم دارای فضیلت اخلاقی (زهد و وارستگی) شوم.

امام صادق (ع) فرمود: برو، از این تصمیم دست بردار، اگر ترک ازدواج، فضیلت اخلاقی بود، مادر ما حضرت زهرا (س) سزاوارتر از تو بود که برای آن فضیلت ترک ازدواج کند، زیرا هیچ بانوئی مانند فاطمه (س) برای بدست آوردن فضیلت ها ای خلاق، از دیگران سبقت نگرفته است .

فصل دوم :

در تاریخ آمده است شخصی بنام **عکاف تمیمی** خدمت پیامبر رسید . پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدند : آیا همسر داری ؟
عرض کرد : خیر. حضرت فرمودند : آیا وضع زندگی ات خوب است ؟ عرض کرد : بله حضرت فرمودند : **ای عکاف ازدواج از سنت ماست . انسان مجرد و بی همسر زنده و مرده اش مطرود و بداست وای بر تو ای عکاف ! ازدواج کن که در غیر اینصورت جزء کسانی هستی که در حیرت و دودلی و تردید و بی هدفی به سر می برند !**

فصل دوم :

بنابر این اسلام با راه کار اول بشدت مخالفت دارد چرا که: «لَا رَهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَامِ تَزَوَّجُوا فَإِنِّي مُكَاثِرٌ بِكُمْ الْأُمَمَ؛ رهبانیت در اسلام نیست. زن بگیرید! من به فزونی عدد شما بر ملتهای دیگر مباحثات می کنم.» در روایتی آمده: «روزی سه نفر از زنان مدینه به حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده، از شوهران خود شکایت کردند. یکی گفت: شوهر من گوشت نمی خورد. دیگری گفت: شوهر من از بوی خوش اجتناب می کند و سومی گفت: شوهر من تمایل جنسی از خود نشان نمی دهد.

فصل دوم :

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از شنیدن این سخنان به شدت ناراحت شد و بی درنگ در حالی که از شدت خشم ردایش بر زمین کشیده می شد، از خانه به مسجد آمد و بالای منبر رفت و پس از حمد و ستایش خداوند، فرمود: **چرا برخی از اصحاب من از خوردن گوشت و استعمال بوی خوش و نزدیکی با زنان اجتناب می کنند؟! همانا من هم گوشت می خورم؛ هم بوی خوش استعمال می کنم و هم با زنان معاشرت دارم. هر کس از سنت من اعراض کند، از من نیست.**

فصل دوم :

راه کار دوم؛ نظریه افراطی

از سوی گروهی از روانشناسان غربی نیز ، با نگاه منفی به عفاف و خویشتن داری جنسی، راه افراط پیموده و رهایی از هر قید و بند را توجیه کرده اند!

بنیان گذار اصلی این دیدگاه زیگموند فروید، روانشناس و روانکاو مشهور اتریشی بود که پس از طرح دیدگاه خویش، پیروان و مدافعان بسیاری یافت، اگرچه او مخالفان جدی و فراوانی هم داشته و دارد.

فصل دوم :

صاحبان نظریه افراطی ریشه بسیاری از مشکلات اخلاقی و ناهنجاری های اجتماعی را فرآیند سرکوب شدن غریزه جنسی دانستند. **چکیده دیدگاه فروید، در این باره این است که ؛ میل جنسی در انسان نسبت به سایر امیال شدیدتر است و مختص بزرگسالی و بلوغ هم نمی شود بلکه از طفولیت در انسان وجود دارد، وی ریشه همه فعالیت های بشر را اعم از مثبت یا منفی و حتی خدا پرستی را در امیال جنسی دارد.**

پیروان دیدگاه افراطی توصیه می کنند که عفت را از میان بردارید تا دل ها آرام گیرند و نظم اجتماعی برقرار گردد و آزادی مطلق را اعلام کنید تا بیماری های روانی رخت بر بندد .

فصل دوم :

فروید و پیروانش سرچشمه بسیاری از بیماری های عصبی و روانی و منشأ بسیاری از نابسامانی های اجتماعی و فرهنگی را در سرکوب غرایز، به ویژه غریزه جنسی می دانند و به زعم خود با استدلال های روان شناسانه نشان دادند که محرومیت های ناشی از سرکوب غریزه جنسی موجب عقده های روانی و عقده های روانی نیز عامل اصلی بروز رذایل اخلاقی است. به زعم آنها رذایلی مانند حسادت، ظلم، سوء ظن، گوشه گیری، دروغ، فریبکاری و امثال آن، همگی ریشه در محرومیت های غریزه جنسی دارند.

فصل دوم :

استدلال طرفداران نظریه افراط

طرفداران این دیدگاه سه استدلال عمده برای اثبات نظریه خود ارائه داده و یا می توانند ارائه دهند.

یکم؛ ریشه بیماری های روحی و اجتماعی بشر در سرکوب غریزه جنسی و ایجاد محدودیت برای ارضای آن است. بنابراین راه وصول به سعادت و نجات از بیماری های روحی و روانی، ارضای آزادانه غریزه جنسی است .

درحالیکه: **اولاً؛** برای این ادعا که ریشه همه بیماری های روحی و روانی بشر، ایجاد محدودیت های جنسی است، بی دلیلی وجود ندارد

ثانیاً؛ آزادی همه جانبه در ارضای غرایز جنسی نه تنها موجب دستیابی به سعادت و نجات از بیماری های روانی نشده است ، بلکه آشفتگی های روحی و روانی شدیدتری را در پی داشته است که اعتراض همه را حتی دانشمندان خودشان را هم به دنبال داشته است.

فصل دوم :

دوم ؛ تجربه نشان داده است که هر گاه در برابر دسترسی انسان به چیزی که آن را می خواهد، ایجاد مانع شود انسان حریص تر می شود. بنابر این قانونمندی، ایجاد موانع بر سر راه ارضای غریزه جنسی، نتیجه ای جز شعله ورتر شدن آتش آن نخواهد داشت.

در پاسخ باید گفت: **اولاً**؛ پذیرش این اصل که «هر گونه ممنوعیتی حرص آور است و نتیجه عکس می دهد» مستلزم آن است که بسیاری از قوانین و مقررات اجتماعی، از جمله مقررات راهنمایی و رانندگی و غیره را هم جمع کنیم چرا که نتیجه عکس می دهند!

ثانیاً؛ در همان جوامعی که آزادی جنسی وجود دارد، هر چند ممکن است از حیث نگاه به جنس مخالف، ارضا شده و تحت فشار روحی قرار نداشته باشند، اما برای روحیه تنوع طلبی بشر هیچ راه کاری ارائه نداده اند. نگاهی به آمار جنایات و انحرافات و ناهنجاری های جنسی در غرب نشانگر این است که این نسخه هم تاثیر نداشته است چرا که هر روز آمار تکان دهنده ای از جنایات حوزه مسائل جنسی از آنجا بگوش می رسد .

فصل دوم :

به قول شهید مطهری غربی ها میان اشباع غریزه و سرکوب نکردن آن از یک طرف، و آزادی جنسی و رها کردن بی قید و شرط آن از طرف دیگر، خلط کردند. حقیقت آن است که اگر کسی می خواهد غریزه جنسی خود را به درستی اشباع کند، راهی جز عفت و تقوا و پذیرش مقررات الهی ندارد. در سایه تقوای الهی است که می توان از هیجان های بیجا و احساس محرومیت هایی که از این هیجان های بی جا پدید می آید جلوگیری کرد. اشتباه فروید و فرویدیسم این بود که برای جلوگیری از سرکوبی غریزه جنسی، آزادی بی حد و حصر جنسی را پیشنهاد دادند. غافل از اینکه بی نهایت خواهی نیز یکی از امیال و خواسته های فطری انسان است.

فصل دوم :

حضرت امام خمینی (ره) درباره نامحدودخواهی قوه شهویه و سیری ناپذیری آن می فرماید:

«قوه شهویه در انسان طوری است که اگر زن های یک شهر، به فرض محال، به دست او بیاید، باز متوجه زن های شهر دیگر است؛ و اگر از یک مملکت نصیبش شد، متوجه مملکت دیگر است. و همیشه آنچه ندارد می خواهد. با اینکه اینها که گفته شد فرضی است محال و خیالی است خام، با وجود این تنور شهوت باز فروزان است و انسان به آرزوی خود نرسیده... هرکس منکر است مراجعه به حال خود کند و به حال اهل این عامل از قبیل سلاطین و متمولین و صاحبان قدرت و حشمت، آن وقت خود تصدیق ما را می کند.»

فصل دوم :

سوم؛ اصل وجود غرایز مختلف توسط خداوند برای ارضا و اشباع در اختیار انسان

قرار داده شده است و نه برای سرکوبی؛ بنابراین ایجاد محدودیت در برابر

ارضای غرایز، از جمله غریزه جنسی خلاف هدف آفرینش است.

در پاسخ به این این استدلال گفته شده :

اولاً؛ پذیرش این استدلال که هر کس آزاد است بر اساس اقتضای طبیعی و غریزی

خود عمل کند به معنای هرج و مرج کامل اجتماعی و اخلاقی است.

ثانیاً؛ این سخن که خداوند غرایز را بی جهت در نهاد انسان قرار نداده است ، سخن

درستی است اما غرایز انسان تنها منحصر به غریزه جنسی نیست ، ضمناً ارضای

همه قوا و غرایز و آزادی مطلق دادن به همه آنها و یا سرکوب و نابود کردن آنها

هم خلاف حکمت و هدف آفرینش است پس باید آنها را تعدیل کرده و با ایجاد

قیود و شرایطی برای هر کدام، همه آنها را به گونه ای ارضا کرد.

فصل دوم :

عوامل مؤثر در گسترش اخلاق مدرن جنسی

یک: متفکران و اندیشمندان

اولین متهم ترویج آزادی گرایی در حوزه مسائل اخلاقی و جنسی دانشمندان و متفکران سکولار و یا لائیک هستند، که تنها یکی از آنها زیگموند فروید است که دیدگاه های او در پایه ریزی اخلاق نوین جنسی تأثیر بسیار داشت. وی تعارض های جنسی را دلیل اصلی تمام روان رنجوری ها می دانست و معتقد بود: میل جنسی انگیزش اصلی رفتار فرد است. ایده فروید امروزه از سوی برخی از روانکاوان و روانشناسان ترویج می شود. امروزه مکتب لیبرالیسم یکی از جریان های بسط دهنده روابط آزاد جنسی است، چرا که، لیبرالیسم در صدد تضمین آزادی های فردی با کمترین محدودیت است، این امر چیزی است که در نهایت به تضعیف نهاد خانواده منجر شد.

فصل دوم :

دو؛ رسانه ها

به دنبال افکار لیبرالیستی دانشمندان روشنفکران غربی در اروپا و آمریکا و دنباله های آنه در کشور های اسلامی رسانه ها با تولید وسیع انواع فیلم های سینمایی ، تلویزیونی ، بازی های رایانه ای ، شبکه های اجتماعی و غیره و عرضه گستره آن در جهان، نقش بارزی در ایجاد تحولات فرهنگی دارند. مهم ترین تأثیر رسانه های تصویری بر حوزه اخلاق جنسی، عادی سازی روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج است. تحقیقاتی که درباره جوانان مبتلا به سکس انجام شده است، نشان می دهد این برنامه ها روابط جنسی را برای آنان به امری طبیعی بدل کرده و همین نکته سبب اقدام آنان به روابط جنسی بوده است.

فصل دوم :

سه؛ مراکز قدرت بین المللی

برخی نهادهای بین المللی نیز برای جهانی سازی اخلاق جنسی نوین -
اعم از آزادی گرای جنسی یا همجنگرایی از طریق ایجاد تعهد
برای کشورها در پیوستن به معاهدات سازمان ملل و سپس نظارت
بر اجرای این معاهدات - تلاش گسترده ای انجام می دهند.

فصل دوم :

چهار؛ مجریان وابسته و آلوده

وجود عناصر آلوده و یا وابسته به غرب در میان دولت مردان و مسئولان رده بالا در برخی از کشور های مسلمان به عنوان جاده صاف کن و ستون پنجم جریان ضد دینی و لیبرالیستی باعث شده تا مردم آن کشور ها در مقابل تهاجم فرهنگی غربی ها تاب مقاومت را از دست داده و به تدریج خود به مجری سیاست های آنان و مروج اندیشه لائیک به اصطلاح دانشمندان و تئوریسن های مکاتب ضد اخلاقی بیگانه تبدیل شوند.

فصل دوم :

پنج؛ غفلت نهاد های مسئول

غفلت و کوتاهی برخی نهادهای مسئول در جامعه به ویژه نهاد خانواده ، آموزش ، سیاست و قدرت (دولت) ، امنیت (نهاد های امنیتی – قضایی) و اقتصاد باعث شده است تا جریان نفوذی و ستون پنجم در کشورهای در حال توسعه و بخصوص مسلمان ، به راحتی در حوزه رسانه ، آموزش ، فرهنگ و اقتصاد وارد شده و از داخل کمر مقاومت فرهنگی و دینی را بشکند بطوری که در انک زمانی تظاهر به آزادی گرایی جنسی نه تنها عادی که به یک مطالبه ملی تبدیل شود و خود را به شکل های گوناگون در جامعه نشان دهد.

دانش خانواده و جمعیت

آسیب شناسی آزادی گرایي جنسی
یا
روابط آزاد جنسی

((فصل اول))

آسیب شناسی روابط آزاد جنسی

* الف: آسیب های فردی

* ب: آسیب های خانوادگی

* ج: آسیب های اجتماعی

فصل اول :

پیامدهای راه کار افراطی

الف: آسیب های فردی

یکم : آسیب های مربوط به سلامت: در جوامعی که اخلاق مدرن جنسی گسترش یافته، معیار اصلی در برقراری ارتباط با جنس مخالف، جاذبه های جسمانی زنان است. از این رو، آنان با تمرکز بر جسم خویش برای جذب جنس مخالف، دچار آسیب های مربوط به سلامت شده اند. رژیم های غذایی افراطی عمل های زیبایی برای داشتن اندامی جذاب از جمله این آسیب هاست. در این رقابت، تعدادی از دختران به معیارهای مطلوب خود در حفظ ظاهر و اندام دست می یابند و برخی نیز با برداشت منفی از ظاهر خود، شادمانی روحی خویش را از کف می دهند

فصل اول :

دوم ؛ بروز آسیب های عاطفی:

تعاملات عاطفی آزاد زن و مرد، آسیب های فردی و و عاطفی فراوانی را به دنبال دارد. معمولا افرادی که دارای ارتباطات نا مشروع گسترده هستند به لحاظ عواطف انسانی دچار اختلالات جدی شده گاهی ته حیوانات درنده ای تبدیل می شوند که ممکن است حتی به محارم و خانواده خود در جنون جنسی و خشن آسیب جبران ناپذیر بزنند. ایورموریش، جامعه شناس غربی، درباره لزوم قانون مندی در اعتماد و عواطف می گوید:

جامعه باید اظهار عواطف را به سامان درآورد و هر فرد بفهمد که مهار خود و قبول مسئولیت در قبال حالات عاطفی چقدر اهمیت دارد.

فصل اول :

سوم ؛ ظهور تنش های روانی:

ارتباط آزاد با جنس مخالف، گاه به وابستگی عاطفی دختر و پسر می انجامد. پس از مدتی که وابستگی ها شکل گرفت، امکان جدایی از نظر روانی، بسیار سخت و مشکل آفرین می شود و در چنین مواقعی، جوانان به افسردگی شدید دچار می شوند؛ چون از طرفی در بسیاری از موارد، هر دو طرف یا یکی از آنها خواهان استمرار این ارتباط دوستانه هستند و از طرف دیگر، امکان ازدواج به دلیل ویژگی های شخصی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی وجود ندارد. از این رو دچار تنش می شوند و در یک بن بست سخت گرفتار می آیند.

فصل اول :

چهارم ؛ گسترش بیماری های جنسی:

آزادی در رفتارهای جنسی موجب گسترش بیماری های جنسی به

خصوص بیماری مهلک ایدز شده است.

در این باره کافی است بدانید که: در هر ۱۳ ثانیه یک نفر در امریکا

به ویروس مهلک بیماری ایدز مبتلا می شود. قربانیان این ویروس

که عمدتاً از طریق بی بند و باری جنسی مبتلا می شوند، از این

بیماری عفونی هلاک می گردند.

فصل اول :

پنجم ؛ کاهش لذت جنسی مشروع:

گرچه ارتباط آزاد، عطش روانی - جنسی را روزافزون می کند، استمرار این وضعیت و تجربه مکرر محرک های جنسی، آستانه تحریک حسی را بالا برده، لذت جنسی واقعی را به مرور کاهش می دهد. از بین رفتن لذت جنسی، آثار مخربی را در روابط بین همسران ایجاد می کند و زمینه ناسازگاری را فراهم می آورد. در آموزه های دینی، روی آوردن به فحشا به منزله زایل کننده لذت جنسی معرفی شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «خود را به زنا آلوده نکنید که خداوند لذت همسران را از درون شما می زداید»

فصل اول :

ششم ؛ بی توجهی به بسیاری از نیازهای انسانی:

اخلاق نوین جنسی (افراطی) بسیاری از نیازهای دیگر عاطفی و غریزی آدمی را نادیده می گیرد؛ از جمله این نیاز های طبیعی عبارتند از:

یک. نیاز غریزی به پدر و مادر و مهر ورزیدن پدران و مادران

دو. نیاز غریزی به عشق ورزیدن و معشوق واقع شدن. این حس در محیط آکنده از هوس های موقت و هر جای شکل نخواهد گرفت.

سه. نیاز غریزی به حیا و عفت ورزی و بسیاری از ارزش های اخلاقی دیگر

فصل اول :

هفتم ؛ احساس گناه:

تخلف از هنجارهای اجتماعی و شکستن حریم و مرزهای خانواده که در ارتباط آزاد اتفاق می افتد، احساس گناه را در پی خواهد داشت که آن نیز پیامدهای روان شناختی، مانند خودسرزنی، احساس حقارت، در پیش گرفتن انزوا و دوری از روابط اجتماعی را به دنبال دارد.

فصل اول :

هشتم ؛ بروز آسیب های معنوی:

روابط آزاد زن و مرد از مصادیق شهوت رانی شمرده می شوند و برخی از روایات بر دوری گزیدن از شهوت رانی تأکید کرده اند. براساس این روایات، شهوت، دل را از محبت خدا خالی می کند، قاتل انسان، گذرگاه شیطان، سرسخت ترین دشمنان، فاسد کننده دین و بیمار کننده عقل است، کسی که عقل او بر شهوتش غلبه کند، برتر از ملائکه می گردد و کسی که شهوت او بر عقلش غلبه کند، از چهارپایان پست تر خواهد شد.

فصل اول :

ب. آسیب های خانوادگی.

یکم ؛ فراوانی ازدواج های ناپایدار:

روابط دختر و پسر اغلب براساس جاذبه های ظاهری شکل می گیرد و شرط اساسی یک ازدواج موفق، یعنی رعایت کفویت بین طرفین در آنها لحاظ نمی شود. در نتیجه، میزان موفقیت کاهش خواهد یافت.

از سوی دیگر، ارتباط عاطفی دو جنس به وابستگی ختم می گردد و نقص ها دیده نمی شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایت مشهوری فرموده است: «دوست داشتن هر چیزی، انسان را کور و کر می کند» وقتی هیجانات فروکش

کند، نقص ها نمایان شده، به کاهش رضایت مندی زناشویی و اختلافات

خانوادگی می انجامد

فصل اول :

دوم ؛ کاهش ازدواج:

ارتباط آزاد با جنس مخالف، سبب کاهش ازدواج در جامعه نیز خواهد شد؛ زیرا براساس منطق مبادله، هنگامی که افراد به راحتی و با صرف هزینه اندک، امکان نیل به اهداف مورد نظر خویش را به صورت پیاپی داشته باشند و بتوانند از این طریق خود را ارضا کنند، انگیزه زیادی برای جایگزینی شیوه های همراه با مسئولیت همچون ازدواج نخواهند داشت. از سوی دیگر، بسیاری از ازدواج های صحیح و سالم در اثر این گونه روابط آزاد در خانواده، کم کم متلاشی می شوند؛ چرا که ادامه چنین وضعی با توجه به جاذبه روابط بین دو جنس، زمینه مساعدی را برای بروز تنش، اختلاف، سوء معاشرت، خیانت و طلاق پدید می آورد.

فصل اول :

سوم ؛ سردی روابط همسران:

به دلیل عرضه گسترده جاذبه های جنسی زنان و سهولت ارضای جنسی مردان با هر زنی (مجرد یا متأهل)، روابط عاطفی بسیاری از زن و شوهرها سرد و کم رنگ شده است. در بسیاری از پیوندها از عشقی آتشین خبری نیست. مردان به اندک تمایلی جسم زن را در اختیار دارند و زنان لطف تمنای پر رنج مرد را برای وصال با خود نمی چشند. پس از ازدواج نیز بسیاری از زن و شوهرها به انحصار روابط جنسی همسر خود با خویشتن اعتمادی ندارند؛ حال آنکه قوی ترین عامل در استحکام روابط همسران، اعتماد به همسر وفاداری جنسی است. تحقیقات نشان داده : کسانی که تا پیش از ازدواج پاکدامنی خود را حفظ کرده اند ، نسبت به بقیه افراد ۵۰ درصد کمتر در معرض طلاق قرار می گیرند

فصل اول :

چهارم ؛ افزایش خانواده های تک والدینی.

دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با تغییرات اساسی در ساختار خانواده در غرب به ویژه ایالات متحده همراه بود. جنبش آزادی زنان آنها را به کار بیرون از خانه ترغیب کرد

افزایش میزان طلاق که در سال ۱۹۹۶ حدود ۵۰ درصد بود، نیز به ایجاد انواع جدید خانواده کمک کرد. محققان مسایل اجتماعی غرب می گویند : «هم زمان با افزایش مشارکت زنان به عنوان نیروی کار، نرخ باروری با کاهش جدی روبه رو شد و نرخ طلاق در میان جمعیت ایالات متحده افزایش یافت.»

عواملی چون رشد فزاینده طلاق، زندگی مشترک بدون ازدواج، تولد فرزندان نامشروع، روابط آزاد جنسی، ... تعداد و انواع خانواده های تک والدی را افزایش داده است.

فصل اول :

آمار کشورهای اروپایی نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد جمعیت این کشورها در دهه پایانی قرن بیستم، در خانواده‌های تک والدینی می‌زیسته‌اند. علاوه بر این دفتر آمار آمریکا گزارش داد که در سال ۲۰۰۰ حدود ۱۲ میلیون خانواده تک والدینی وجود دارند.

محققان اجتماعی یونسکو، علت اصلی ظهور و گسترش خانواده‌های تک والدی را کاهش ازدواج رسمی، زندگی مشترک بدون ازدواج، روابط آزاد جنسی، فردگرایی مفرط، گرایش به طلاق و ساده‌سازی تشریفات طلاق در این گونه کشورها دانسته‌اند.

«آدام بورسوا» از محققان مسایل اجتماعی آمریکا می‌معتقد است که باید خانواده‌های سنتی و مستحکم ایجاد کنیم که در طول حیات کودک تداوم داشته باشد.

فصل اول :

پنجم ؛ افزایش طلاق های عاطفی

طلاق عاطفی، یکی از انواع طلاق است و شامل خانواده‌هایی میشود که در آن افراد کنار هم اما مستقل از هم و زیر یک سقف زندگی می‌کنند لیکن هیچ گونه ارتباط عاطفی یا یگدیگر ندارند ، البته این مساله بیشتر، مربوط به خانواده‌هایی است که به علت مسائل سنتی و عرفی که حاکم بر عقاید آنهاست یا برخی باورهای نادرست و نگرش‌های منفی جامعه نسبت به زنان مطلقه، ترس و نگرانی از تنهایی، از دست دادن فرزندان یا ناتوانی در تامین نیازهای زندگی تصمیم می‌گیرند به اجبار زیر یک سقف زندگی کنند.

فصل اول :

مهم‌ترین عواملی که می‌تواند باعث طلاق عاطفی شود، می‌توان به بی‌اعتمادی زوجین به یکدیگر ، اشباع غریزه جنسی در بیرون خانواده ، اشتغال و مشغله زیاد زوجین و کمبود وقت برای صرف آن برای یکدیگر، کاهش ابراز علاقه و جذابیت‌های هر یک از زوجین، لجبازی ، و تعداد زیادی موارد دیگر اشاره کرد که خود دارای انواع گوناگونی است:

- طلاق قانونی بدون اطلاع دیگران.
- طلاق شرعی بدون تشریفات قانونی.
- طلاق بدون تشریفات شرعی و قانونی.

فصل اول :

چرا زوجین در بعد از وقوع طلاق عاطفی در کنار یکدیگر باقی می مانند؟

نخست : اکثرا به دلیل **وجود فرزند** که عامل مشترک زندگی است به ادامه این رابطه می پردازند.

دوم : برخی تابع قوانین و **سنت های خانوادگی شان** هستند که مثلا عروس با لباس سفید می رود و با کفن برمی گردد.

سوم : عده ای فکر می کنند اگر وارد فاز طلاق قانونی شوند **پشتوانه و جایگاهی ندارند**.

چهارم : برخی امید دارند که این اوضاع را می توانند **به سمت بهبود شدن روابط تغییر** دهند.

پنجم : در کل **نگاه اجتماع نسبت به فرد مطلقه** سنگین است و بعضی ها توان از پس برآمدن این نگاه اجتماعی را ندارند. اینها باورهای غلطی است که متاسفانه در جامعه وجود دارد.

فصل اول :

ششم ؛ بارداری های ناخواسته

تحقیق نشان می دهد که آمار روابط نامشروع جنسی که ناشی از روابط آزاد دختر و پسر است، در

امریکا و در تمامی جامعه اروپا رو به افزایش است، به گونه ای که در سال ۱۹۹۳ در امریکا

۵۰٪ روابط دختر و پسر به روابط جنسی تبدیل شده است

روابط جنسی نامشروع و افزایش آبستنی های غیر رسمی و زود هنگام یکی دیگر از آثار شوم

روابط آزاد دختر و پسر است. آندره میشل در این باره می نویسد: «بیش از چهل درصد زنان

امریکایی که پیش از بیست سالگی ازدواج می کنند. به علت روابط آزاد پسر و دختر، قبل از

ازدواج حامله هستند. در نروژ ۹۰٪ دخترانی که در سن کمتر از هیجده سال ازدواج می کنند،

آبستن هستند و در سوئد و آلمان نیز همین مطلب صادق است».

فصل اول :

ج: آسیب های اجتماعی

یکم ؛ بلوغ زودرس نوجوانان :

دسترسی آزادانه به اطلاعات جنسی از طریق اینترنت، مجله، کتاب، رادیو و تلویزیون، سبب کاهش سن بلوغ و بیداری زودرس غریزه جنسی شده است. در نتیجه پسران و دختران چندین سال پیش از ازدواج به روابط جنسی روی می آورند. سقط جنین های گسترده، تولد فرزندان نامشروع بدون حمایت خانواده، رفتارهای جنسی خشن و شیوع افسردگی در بین نوجوانان، از جمله پیامدهای این گونه روابط است .

فصل اول :

دوم ؛ رواج انحرافات جنسی:

آزادی روابط زن و مرد توأم با پوشش های هوس انگیز زنان، میل شهوانی را در مردان - اعم از مجرد یا متأهل - چنان برانگیخته است که بسیاری از آنان بر اثر فزونی هیجان های غریزه جنسی به **جنون جنسی** مبتلا شده اند. به همین دلیل تجاوزهای جنسی به **محارم** ، **کودکان**، هم **جنس بازی** و ارتباط جنسی با انواع **حیوانات** در اروپا و آمریکا رواج یافته است.

تحقیقات متعددی نشان داده که ارتباط آزاد جنسی به دلیل تغییر مداوم شریک جنسی، موجب اختلال در روابط جنسی می شود و بیشتر این مشکلات نیز متوجه زنان است.

فصل اول :

سوم ؛ افزایش زنان سرپرست خانواده :

ارتباط جنسی می تواند منجر به تشکیل سلول های اولیه انسان جدید شود.

در صورت تداوم بارداری، انتساب او به مادر روشن است، ولی اثبات

پدری مرد قطعی نیست؛ چرا که هیچ قرارداد الزام آوری زن را از ارتباط

با سایر مردان باز نمی دارد. حال اگر مادر سرپرستی کودک را بپذیرد،

محکوم به پذیرش مشقت سرپرستی فرزند بدون حمایت پدر خواهد

بود و این، امروزه یکی از معظلات اجتماعی غرب است.

فصل اول :

چهارم ؛ تولد فرزندان نامشروع:

به دلیل گسترش روابط جنسی شمار فرزندان حاصل از لذت های لحظه ای بسیار زیاد است. طبق یک نظرسنجی ۷۰ درصد مردم آمریکا معتقدند بسیاری از مشکلات جامعه و خانواده های آمریکایی ناشی از نبود پدر در خانه است. به بیانی دیگر، بحران خانواده در واقع بحران بی پدری است. محققان معتقدند که پدر به رشد فرزند به ویژه هویت فردی او کمک شایانی می کند و او را یاری می دهد تا از لحاظ روانشناختی از مادر جدا شود؛ به او می آموزد که هوس های خود را کنترل کند؛ قوانین، هنجارها و ساختارهای جامعه را بیاموزد و به مادر نیز به عنوان یک پناهگاه بنگرد. پدر همچنین به مادر کمک می کند تا از روابط عاطفی افراطی پرهیزد. افزون بر این، پدر هم زمان با کنترل رفتار بچه ها، رشد عقلانی و شناختی آنها را تسهیل می کند.

فصل اول :

پنجم ؛ سقط جنین

متناسب با افزایش نرخ آبستنی های ناخواسته، آمار سقط جنین در کشور های غربی که دختر و پسر پیش از ازدواج روابط آزاد دارند رو به تزاید است. از یک میلیون زن و دختر نوجوانی که هر ساله در امریکا به طور ناخواسته باردار می شوند، ۵۳٪ فرزندان خود را سقط می کنند.

به ادعای یک پزشک امریکایی که در یکی از زایشگاه های این کشور مشغول بوده و در مقاله ای نوشته است، در حدود ۴۷٪ از زایمان های تحت نظر وی مربوط به موالید نامشروع بوده است. به ادعای وی اکثر موالید، مربوط به زنان پایین تر از بیست سال مربوط به روابط آزاد دختر و پسر بوده است.

فصل اول :

ششم ؛ تنزل جایگاه زنان «نگرش کالایی» :

در این جوامع جایگاه بسیاری از زنان، از انسانی محترم و با کرامت انسانی به یک «کالای جنسی» عمومی تنزل یافته؛ به گونه ای که مردان به بسیاری از زنان به چشم یک کالا می نگرند تا از آن بهره برند و سپس او را رها کنند. تحقیقات نشان می دهد نگاه به فرد به عنوان ابزار جنسی می تواند منجر به نارضایتی جسمی، اختلالات غذایی، پایین آمدن عزّت نفس، احساس افسردگی و حتی مشکلات جسمی در دختران و زنان جوان شود.

فصل اول :

هفتم ؛ آسیب رساندن به زنان:

وقتی غرائز جنسی آزاد گذاشته شود و هر کس که مشتاق لذات و هوس رانی خودش باشد و پیروی از امیال خویش افسار گسیخته گردد، اگر چه ارای مرد و زن هر دو آسیب زاست ، ولی برای زنان مهاک تر است ؛ چرا که **اولا** ؛ زنان دلربا و فریبنده به آسانی قادر بر تصاحب شوهر دیگران می شوند. و زنان پارسا شاهد از دست دادن همسران خود می گردند ؛ **ثانیا** ؛ آنهایی که دارای حس مادری و آرزوهای بلند اجتماعی هستند، از بین رفته و نابود می گردند. **ثالثا** ؛ در این ارتباطات نامشروع این زنان هستند که در نهایت از خانواده و جامعه طرد شده و به کنج ویرانی و تنهایی کشیده می شوند . سزاوار نیست زنانی که درخور تحسین اند، به خاطر عده ای محدود فدا شوند.

فصل اول :

هشتم ؛ بروز ناهنجاری های اجتماعی:

آزادی های جنسی، عامل مهمی برای بروز ناهنجاری های اجتماعی و جرم و جنایت مانند ، اعتیاد ، سرقت ، خشونت های خیابانی و غیره است. الکسیس کارل می گوید:

تمایلات جنسی، ارباب و فرمانروای بی چون و چرای افراد است. تاریخ ملت ها مانند تاریخ خانواده ها اغلب به چگونگی هوس های جنسی آنها بستگی داشته و تعداد زیادی از مردان، ثروت و شرف خود را در راه غدد جنسی از دست داده اند.

فصل اول :

نهم ؛ دغدغه دائمی برآوردن نیاز جنسی:

رابطه های جنسی خارج از محدوده خانواده، زودگذر و موقت است و فرد

نسبت به استمرار رابطه متعهد نمی گردد. از این رو بسیاری از زنان و

مردان زمان بسیاری صرف می کنند تا شریک جنسی جدیدی بیابند که

البته با او نیز تعهد روابط مستمری ندارد. به همین دلیل، آنان نگران نیاز

جنسی سپری ناپذیر خود هستند که آیا در آینده نیز پاسخ گویی برای

آن می یابند یا خیر.

فصل اول :

دهم ؛ معضل هم خانگی و ازدواج سفید:

این پدیده که گویا زنگ خطر آن نیز به صدا درآمده است چیزی نیست جز پدیده ای به نام «ازدواج سفید» که از آن به عنوان شکلی از زندگی مشترک یاد می شود؛ این نوع ازدواج در واقع ازدواجی است که نام آن را به دلیل ثبت نشدن اسامی دو نفر در شناسنامه هایشان «ازدواج سفید» گذاشته اند. در این شکل از زندگی مشترک افراد بدون خطبه عقد یا صیغه زیر سقف مشترک می روند . گاهی حتی دوستان نزدیک و خانواده هایشان نیز از این موضوع مطلع اند که این دو زندگی مشترکی را بدون رعایت شرایط مرسوم آن در جامعه شروع کرده اند . گاهی دیده شده بیش از یک زوج هم بصورت دسته جمعی با هم در یک خانه زندگی می کنند .

فصل اول :

یازدهم ؛ گسترش زنان و مردان مصنوعی

تولید مردان و زنان مصنوعی که شباهتی بیش از ۹۰ درصد به انسان دارد و می‌تواند تهدیدی برای فرهنگ و اخلاق در جامعه باشد از دیگر عوارض افسار گسیختگی در ارضاع تمایلات جنسی است .

صاحب شرکت تولید کننده این عروسک‌های انسان نما که اقدام به تولید زن و مرد مصنوعی کرده اند که می‌تواند همه اعمال و رفتار یک انسان واقعی را انجام دهد و البته در حال توزیع در بازارهای دنیا، به ویژه کشورهای اسلامی است ؛ در مصاحبه ای می **گوید: هدف ما سازندگان انسان مصنوعی کمک به جامعه بشری است، به خصوص جوانان بعضی کشورها که در محدودیت به سر می‌برند!**

((فصل دَوّم))

پاسخ معتدل به نیاز های عاطفی و جنسی

* الف: نهی از مجرد زیستن

* ب: توصیه به تسریع در ازدواج

* ج: ازدواج موقت

* د: خویشتن داری

فصل دوم :

راه کار سوم ؛ نظریه معتدل

بهترین راه کار برای پاسخگویی منطقی به نیاز های عاطفی و جنسی همانا ازدواج، و اشباع غریزه جنسی و عاطفی به طور صحیح و مناسب و تشکیل خانواده است.

بنابراین اسلام تاکید دارد بر:

یک؛ نهی از مجرد زیستن و توصیه به ازدواج

در اسلام رهبانیت و مخالفت با غریزه جنسی به شدت نکوهش شده است؛
چنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

در اسلام هیچ رهبانیتی وجود ندارد. ازدواج کنید که بدین وسیله امت رسول
خدا صلی الله علیه و آله بیش از سایر امت ها می شود

فصل دوم :

الف ؛ پیامبر اکرم (ص) : «ازدواج سنت من است پس هر که از سنت من روی بر گرداند از من نیست» . (بحار الانوار . ج ۱۰۳ . ص ۲۲۰)

ب ؛ پیامبر اکرم (ص) «هر که دوست دارد که پاک و پاکیزه خدا را دیدار کند ، با همراه داشتن همسری به دیدارش رود» . (بحار الانوار . ج ۱۰۳ . ص ۲۲۰)

ج ؛ پیامبر اکرم (ص) : «هر که به اعتماد خدا و به امید ثواب ازدواج کند بر خدا لازم است که او را یاری کند» . (نهج الفصاحه ، ح ۲۷۸)

د ؛ پیامبر اکرم (ص) : «هر که ازدواج کند نصف عبادت به او داده شده است» . (بحار الانوار . ج ۱۰۳ . ص ۲۲۰)

ه ؛ پیامبر اکرم (ص) : «دو رکعت نمازی که ازدواج کرده می خواند ، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که فرد عذب می خواند» . (بحار الانوار . ج ۱۰۳ . ص ۲۱۹)

فصل دوم :

دو؛ توصیه به تسریع در ازدواج

در برخی روایات تأکید شده است که در صورت مهیا بودن مقدمات اولیه ازدواج، دختر و پسر به دلایل واهی ازدواج را به تأخیر نیندازند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هر جوانی که در آغاز جوانی خویش ازدواج کند، شیطان فریاد بر می آورد: «ای وای! ای وای! دو سوم از دین خود را از دستبرد من در امان داشت». همچنین یادآوری شده که از مشکلات و موانع ازدواج، بیم به دل راه ندهد؛ چرا که خداوند پشتیبان آنها خواهد بود. باز هم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«بر خداوند حق است که فرد مجری را که برای رعایت عفاف از حرام الهی، ازدواج می کند، یاری کند.

فصل دوم :

الف ؛ «پیامبر اکرم (ص) : ای جوان زود ازدواج کن و از زنا پیر هیز زیرا که

زنا ریشه های ایمان را از دلت می برد» . (مکارم الاخلاق . ص ۹۶)

ب ؛ پیامبر اکرم (ص) : مردان عزب خود را زن دهید ؛ «زیرا با این کار

خداوند اخلاق آنان را نیکو می گرداند و روزیهایشان را زیاد می کند و

بر جوانمردی های آنان می افزاید» . (بحار الانوار . ج ۱۰۳ . ص ۲۲۲)

ج ؛ امام صادق (علیه السلام) : «هر که از ترس تهیدستی ازدواج نکند ، به

خدای متعال گمان بد برده است» . خدای متعال می فرماید : «اگر

تهیدست باشد خداوند از فضل خود توانگرشان می سازد» . (نور الثقلین . ج ۳ .

ص ۵۹۷)

فصل دوم :

سه؛ ازدواج موقت

از آنجا که برخی زیر فشار شدید غریزه جنسی، توان خویشتن داری ندارند و امکان ازدواج هر چند بسیار ساده و آسان را نیز دارا نیستند، در شریعت مقدس اسلام برای این منظور ازدواج موقت پیش بینی شده است. در این ازدواج مسئولیت ها حداقلی بوده و بر مرد لازم نیست مخارج همسر خود اعم از مسکن، خوراک و پوشاک را تأمین نماید، هر چند اگر حاصل ازدواج موقت فرزندی باشد، زن و مرد تمام مسئولیت های پدر و مادر- همچون تأمین مخارج فرزند، نگهداری، حفظ سلامت و رشد و نیز تربیت او- را بر عهده دارند؛ تا جایی که تخلف از این مسئولیت ها حرام است و مجازات دنیوی نیز دارد.

فصل دوم :

برای توضیح بیشتر این نوع ازدواج باید به نکات زیر توجه کرد:

یک؛ ازدواج موقت یا صیغه، **ازدواجی است مدت دار** که باید با الفاظ عربی «قبول و ایجاب» منعقد گردد و مدت زمان آن نیز مشخص شود. **در این ازدواج باید مهریه ذکر شود،** و گونه عقد باطل است.

پس از عقد، هر زمان زن متقاضی مهریه شود، بر شوهر واجب است آن را به زن بپردازد. در ازدواج موقت به زن نفقه تعلق نمی گیرد و زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی برند. همچنین زن و شوهر **می توانند هر شرط مشروعی را قرار دهند** و بر هر دو لازم است بدان عمل کنند.

فصل دوم :

دو؛ در ازدواج موقت طلاق وجود ندارد و پایان آن با سپری شدن

مدت زمان عقد و یا با بذل مدت، یعنی بخشش مدت زمان

باقیمانده عقد از جانب شوهر، محقق می شود. زنی که در عقد

موقت مردی بوده و با یکدیگر رابطه زناشویی داشته اند، پس از

اتمام دوران عقد باید عده نگه دارد. در این مدت، ازدواج وی با

فرد دیگری به عقد دائم یا موقت حرام است.

فصل دوم :

سه؛ چنانچه دختری بخواهد به عقد موقت پسری درآید، در صورتی که پیش تر ازدواج نکرده باشد، **باید پدرش به این امر رضایت دهد.**

چهار؛ در روایات اهل بیت علیهم السلام، مردان متأهل از ازدواج موقت نهی شده اند، مگر آنکه توجیهی مانند عدم دسترسی به همسر و نیاز جنسی شدید وجود داشته باشد. **امام رضا** علیه السلام فرمود:

ازدواج موقت، حلال و مباح مطلق است، برای کسی که خداوند امکان ازدواج دائم را روزی او نکرده است. پس با ازدواج موقت خود را حفظ می کند. حال اگر با ازدواج دائم از آن بی نیاز شود، ازدواج موقت در صورتی برای او مباح است که از همسرش دور باشد.

فصل دوم :

چهار؛ خویشتن داری جنسی تا آستانه ازدواج

قرآن کریم انسان هایی را که به هدف آفرینش خود رسیده اند، «مفلحین» نام نهاده است. یکی از ویژگی های این افراد پاک دامنی است:

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ؛ مومنان کسانی هستند که...
دامان خود را [از آلوده شدن به بی عفتی] حفظ می کنند.»

در آیه تأکید شده که یکی از شرایط مهم برای رسیدن به رستگاری، پاک دامنی و عفت ورزیدن در مورد غریزه جنسی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرمود: **روزی که هیچ سایه ای به جز سایه خداوند نیست، هفت گروه در سایه [رحمت] خداوند عزوجل هستند؛ از جمله مردی که زنی زیبا او را به سوی خود می خواند و او می گوید: من از خداوند، پروردگار جهانیان می ترسم.**

فصل دوم :

برای خویشتن داری جنسی تا آستانه ازدواج اقدامات زیر مورد تاکید فروان قرار گرفته است :

اول : تأکید بر رعایت حیا در روابط با جنس مخالف؛ امام صادق علیه السلام می فرماید:

اگر حیا نبود از هیچ یک از کارهای زشت دوری نمی شد ... گر مردم حیا نداشتند، از فحشا پرهیز نمی کردند.

دوم : ایجاد نگرش منفی به پیروی از غرائز حیوانی؛ حضرت علی علیه السلام فرمود: «ابتدای شهوت ها طرب و شادی است و آخر آن رنج و دشواری».

سوم : ایجاد نگرش منفی به دل بستگی شدید به نامحرم و توصیه به وارستگی در صورت وجود این دل بستگی؛ حضرت علی علیه السلام فرمود: هر که عاشق شود، چشم بصیرت او کور می گردد و قلبش بیمار می شود.

فصل دوم :

چهارم؛ سفارش به **تقوای چشم و گوش و زبان و لمس؛** چرا که بسیاری

از خطاهای جنسی از این حواس آغاز می شود. گاه چشم می بیند و
دل اسیر می شود، گوش می شنود و نیازهای غریزی تشدید می شود،
زبان می گوید و رابطه هوس آلود شروع می گردد و لمس، نیاز خفته
را بیدار می سازد. خداوند در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور به مردان و
زنان با ایمان امر می کند تا در برخورد با نامحرم، دیدگان خود را
فروآورند.

فصل دوم :

حضرت علی علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:
زیرا نگاه حرام، عامل وقوع روابط حرام و ارتباط گناه آلود با نامحرم است.

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:
نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای شیطان و مسموم است و چه بسا نگاهی که حسرت طولانی به جای می گذارد.

– من عشق شیئاً أَعشى بصره و أمرض قلبه. (نهج البلاغه، ص ۱۵۹)

– قل للمؤمنین یغضّوا من أبصارهم ... قل للمؤمنات یغضضن من
أبصارهنّ «

فصل دوم :

پنجم ؛ نفی خودارضایی و هم جنس گرایی

قرآن کریم هر نوع ارضای جنسی خارج از چارچوب ازدواج را حرام دانسته و آن را تعدی و تجاوز نامیده است. شیوه های رایج رفتار جنسی حرام، خودارضایی، رابطه جنسی با هم جنس و رابطه ای متعدد جنسی بیرون از چارچوب ازدواج است. بی تردید این رفتار از فردی سر می زند که با دو ملاک «بیشترین لذت» و «سریع ترین زمان» می خواهد به ارضا برسد و از همین رو تمام محدودیت های اخلاقی برای او بی معناست.

فصل دوم :

مضرات خودارضایی

این رفتار نوعی انحراف جنسی است که در دین مقدس اسلام حرام بوده و از گناهان کبیره شمرده می شود. قرآن مجید ضمن بیان صفات مؤمنین و صفات اهل بهشت، می فرماید: «و آنها که دامن خویش را (از بی عفتی) حفظ می کنند، جز با همسران و کنیزان (که در حکم همسرند آمیزش ندارند)، چرا که در بهره گیری از اینها مورد سرزنش نخواهند بود! و هر کس جز اینها را طلب کند، متجاوز است!» فقها و مفسرین از این آیات حرمت استمناء را استفاده کرده اند چرا که «استمناء» نیز بهره گیری جنسی از غیر راه هایی است که در آیه مجاز شمرده شده است.

فصل دوم :

روایات زیادی از ائمه معصومین(ع) داریم که دلالت بر حرمت

استمناء دارد از جمله اینکه: ابو بصیر گوید از امام صادق (ع) شنیدم

که فرمود: «خداوند در روز قیامت با سه گروه حرف نمی زند و به

آنان نظر نمی کند و آنان را از گناهان پاکیزه نمی سازد و برای

آنان عذابی دردناک است ، یکی از آن گروه کسانی هستند که با

خود نکاح (استمناء) کرده اند.»

فصل دوم :

این عمل آثار سوء فراوانی به همراه دارد که بطور کلی آنها را به سه دسته تقسیم می کنیم :

یک ؛ عوارض معنوی

گناه خود ارضایی موجب دوری انسان از خداوند، محرومیت از از روح پاکی و پاکیزگی ، ضعف در مسائل عبادی ، و عدم توانایی در ارتباط با خانواده و کم شدن قدرت باروری و مانند آن می گردد.

دو ؛ عوارض روانی و عصبی

خود ارضایی تاثیر بسیار مخربی بر سیستم روانی و عصبی گذاشته و باعث، بروز اختلال رفتاری ، ضعف دستگاه عصبی و کنترل اعصاب، ایجاد برخی اختلال ها در خواب، گوشه گیری یاس ، افسردگی و غیره می شود

سوم ؛ عوارض جسمی

اعتیاد به این عمل شیطانی موجب ضعیف شدن بینایی و بی اشتها، ضعف عمومی بدن و بالاخره پیری زودرس و امثال آن می شود

فصل دوم :

برخی برنامه های پیشنهادی برای ترک خود ارضایی

۱. پرهیز از تنها ماندن (صله رحم، شرکت در مراسم دینی اجتماعی و..).
۲. شرکت در تفریحات، گردشها، ورزشها و بازیهای جمعی.
۳. شرکت در هیئت ها و مراسم های مذهبی .
۴. مطالعه کتب دینی ،تاریخی و مطالعه سرگذشت اقوام و ملل، فراز و نشیب زندگی آنان.
۵. سعی کنید نماز اول وقت بخونید.
۶. در حد امکان حداقل هفته ای یک بار روزه بگیرید.
۷. پرهیز از بیکاری به هر نحو ممکن .
۸. سعی کنید نمازتو ن رو اول وقت بخونید

فصل دوم :

۹. قطع کردن ارتباط با دوستان و بستگان آلوده به این بیماری خطرناک.
۱۰. پرداختن به امور هنری مانند خطاطی، نقاشی و طبق استعداد خود.
۱۱. خودداری از حضور در محیط های آلوده به انحرافات اخلاقی و گناه آلود.
۱۲. وضو داشتن و تجدید وضو در طول روز.
۱۳. مشارطه ، مراقبه و محاسبه در پایان روز و مقایسه با روزهای گذشته.
۱۴. مشاوره با مشاورین متدین و آگاه و متخصص .
۱۵. عرضه و ارائه توانایی های علمی و عملی خود به دیگران و استفاده از آنها در جهت خدمت به مردم.

فصل دوم :

۲. ارتباط جنسی با هم جنس

این نوع رابطه نیز در اسلام حرام است و فردی که مرتکب این عمل شود، مجازات می گردد. آیات و روایات بسیاری بر حرمت رابطه جنسی با هم جنس تأکید دارد. برای مثال آیاتی که به قوم لوط اشاره دارد، زتشی هم جنس بازی مردان و عذاب الهی مربوط به آن را گوشزد می کند. در یکی از این آیات می خوانیم:

بر آن قوم بارشی [از سنگ] بارانیدیم. بنگر که عاقبت کار بدکاران چیست؟

در آیاتی نیز که به قوم رس اشاره شده، بر زشتی ارتباط جنسی زنان با یکدیگر (مُساحقه) و عذاب الهی آن تأکید شده است. در روایات متعددی نیز به صراحت آمده:

زنانی که هم جنس بازی کنند، در روز قیامت با لباس های آکنده از آتش محشور می شوند و در این دنیا نیز حد زنا (ضد ضربه شلاق) بر آنها جاری می شود.

فصل دوم :

حد سحر (مساحقه)

هرگاه زن، چهار مرتبه به این عمل حرام اقرار کرد، یا چهار مرد عادل شهادت دادند، باید هریک از آن دو زن را یک صد تازیانه بزنند. و در صورتی که پیش از اقرار یا شهادت عدول توبه کرده باشند، حد ساقط می شود.

همان طوری که قبلاً اشاره شد، خوابیدن دو مرد یا دو زن عریان باهم زیر یک لحاف به طوری که حائلی بینشان نباشد حرام است. و اگر نزد حاکم شرع ثابت شود، باید آنها را به کمتر از یک صد تازیانه (بهر اندازه که صلاح بداند) تعزیر و تأدیب کند و در چند روایت حدشان را یک صد تازیانه ذکر کرده است.

فصل دوم :

زنی به حضرت صادق علیه السلام گفت: زنانی که با یکدیگر مساحقه می‌کنند حدشان چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «حد زنا است (یک‌صد تازیانه). بعد فرمودند: «ای زن! اولین قومی که مساحقه بینشان رواج یافت، قوم لوط بودند که مردها به عمل لواط سرگرم شدند و زنان بی‌شوهر ماندند. پس به یکدیگر مشغول شدند چنانچه مردان باهم مشغول بودند» (و هنگام نزول عذاب، همگی به هلاکت رسیدند)

و نیز حضرت در پاسخ زنی که از مساحقه زنان با یکدیگر پرسید، فرمود:

«در جهنم‌اند. زن گفت: از این عمل، در قرآن مجید یادی نشده؟ فرمود:

بلی عرض کرد: کجا؟ فرمود: «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ» (سوره فرقان آیه ۴۰)

دانش خانواده و جمعیت

ازدواج و تشکیل خانواده

اهداف ، کارکرد ها ، معیار ها و موانع

((فصل اوّل))

تشکیل خانواده

* الف: اهداف خانواده

* ب: کارکرد های خانواده

فصل اول :

اهداف تشکیل خانواده :

الف ؛ پاسخ به ندای فطرت: انسان فطرتاً میل به ارتباط با جنس مخالف دارد، از این رو پاسخ صحیح ندادن به فطرت در موقع مناسب، مشکلاتی را برای فرد و جامعه ایجاد می کند.

ب ؛ پاسخ به دعوت سنت: ازدواج پاسخی به ندای پیامبر و دیگر معصومان (ع) می باشد.

ج ؛ صیانت از خطر آلودگی : ازدواج، ضامن سلامت تن و روان آدمی است و از بروز بیماری های جسمی و روانی و اختلالات شخصیتی جلوگیری می کند.

د ؛ حفظ عفت: ازدواج، هواهای نفسانی آدمی را تحت قید و بند در می آورد و هدایت می کند.

فصل اول :

ه ؛ سکون و آرامش: ازدواج، هیجان، التهاب و اضطراب در زندگی را به آرامش و سکون تبدیل نموده، سبب ایجاد تعادل روحی و روانی می گردد.

و ؛ محبت رحمت و مودت: از آن جا که پیوند زناشویی در میان انسان ها نیاز به کشش و جاذبه قلبی و روحی دارد، خداوند رابطه زن و مرد را بر اساس دوستی و محبت قرار داده است.

ز ؛ تکمیل و تکامل : تکمیل وجود هر یک از مرد و زن، از نتایج مهم تشکیل خانواده است، چرا که هر یک از آن دو بدون دیگری، موجودی ناقص است.

فصل اول :

ح ؛ تولید و تداوم نسل: میل به داشتن فرزند و تداوم نسل، انسان را به تشکیل

خانواده راغب می کند، زیرا وجود فرزند علاوه بر این که به زن و مرد شخصیت می دهد و سبب ادامه حیات آنان می گردد، باعث گرمی، صمیمیت، نشاط و شادابی، پویایی و صفای کانون خانواده می گردد.

ط ؛ تأمین سلامت جسم و روان و رهایی از تنهایی: امنیت روحی، معاشرت، نیاز به

محرم راز، تشویق و ترغیب، مقبولیت و جلب توجه، محبت و دوستی و افزایش رزق و روزی، در سایه ازدواج تأمین می گردد. ازدواج به زندگی زن و مرد معنا و جهت می دهد و آنها را از تنهایی و سرگردانی رهایی می بخشد.

ی ؛ سلامت و امنیت اجتماعی: ازدواج، جامعه را از انواع فسادها، انحرافات، بی بند

و باری ها، تجاوزات جنسی، قتل، خیانت، خودکشی و... دور می کند.

فصل اول :

کارکرد های خانواده :

برخی از جامعه‌شناسان معاصر کارکردهای خانواده را به چهار حوزه: «کارکرد جنسی، کارکرد اقتصادی، کارکرد فرزند زایی، و کارکرد تعلیم و تربیت» تقسیم کرده‌اند ما در این درس برای سهولت بیشتر کارکرد های نهاد خانواده را به دو دسته تقسیم می‌کنیم :

الف ؛ کارکرد های فردی

ب ، کارکرد های اجتماعی

فصل اول :

کار کردهای فردی :

الف: کارکردهای روحی و روانی

زن و مرد، بر اساس سرشت و خلقت، دارای **تشابهات فراوان و** **تفاوتهای بسیاری هستند** این ویژگی ها باعث می شود تا برای تکمیل خود خواهان و دلداده یکدیگر شوند ، زن بدون پیوستن به مرد و مرد بدون وصال زن، خود را تنها، ناقص و سرخورده احساس می کند، چنان که گویی نیمی از خویشتن را ندارد. همین علاقه و دلدادگی است که در ادبیات و فرهنگ انسانی، شاهکارهای ادبی آفریده و احیاناً جنگ ها و ویرانی های نیز به بار آورده است. **این علاقه و دلدادگی، دارای دو منشأ است:**

فصل اول :

یکم ؛ کارکرد روانی جنسی

نوعی علاقه و تمایلی که منشأ آن نیاز جنسی و کشش غریزی است، زنان و مردان را به سوی جنس مخالف می‌کشاند. دستگاه آفرینش این جاذبه و تمایل را در دو جنس مخالف قرار داده است تا به وسیله آن، نسل آدمی امتداد یابد و تلخی‌های زندگی مشترک، بارداری، زایمان، تربیت و پرورش اولاد و تأمین معیشت فرزندان و خانواده بر والدین سخت و گران نیاید.

قرآن کریم کارکرد خانواده در برآوردن نیاز جنسی یک دیگر را چنین بیان می‌کند:

«نَسَاؤُكُمْ حَرْتُ لَكُمْ فَأَتُوا حَرَّتَكُمْ أَنِّي شِئْتُمْ...» و یا «زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ

مِنَ النِّسَاءِ» (بقره / ۲۲۳ و آل عمران ۱۴)

فصل اول :

یکی از اهداف اساسی ازدواج در اسلام ارضای نیازهای جنسی است. انسان از یک میل جنسی نیرومند برخوردار است که برای ارضای آن به طور طبیعی به سوی جنس مخالف کشیده می شود. به طوری که بروز این نیازها و تشدید آنها فرد را هرچه سریع تر به ازدواج کردن سوق می دهد. از دوران نوجوانی نیازهای جنسی در فرد پدیدار می گردد و به تدریج شدّت می یابد و ازدواج راهی مشروع برای ارضای این نیازها است .

فصل اول :

انسان‌ها همواره به روابط جنسی خود از راه ازدواج نظم و قاعده بخشیده و

از هرج و مرج جلوگیری کرده‌اند. در مقابل، سرکوب کردن این نیاز

طبیعی و خودداری و در پیش گرفتن رهبانیت، خلاف فطرت انسانی

است و مورد پذیرش تعالیم اسلامی نیز نیست و ائمه هدی علیهم‌السلام

کسانی را که از ازدواج خودداری می‌کنند، مورد ملامت شدید قرار

داده‌اند. در احکام اسلامی ازدواج از مستحبات مؤکد شمرده شده و برای

کسی که به سبب نگرفتن همسر به گناه بیفتد، واجب است .

فصل اول :

دوم ؛ کارکرد روانی عاطفی

یکی دیگر از اهداف ازدواج، تأمین و ارضای نیازهای عاطفی و مقابله با بحران در این زمینه است. در پرتو دوستی و محبت است که نیازهای عاطفی انسان تأمین می‌شود. زن و مردی که با هم ازدواج می‌کنند، با محبت به یکدیگر هر یک محرم اسرار و پناهگاه عاطفی دیگری می‌شود. در پناهگاه عاطفی خانواده است که سکون و «آرامش روانی» نصیب زوجین می‌گردد. در اغلب جوامع بشری افراد در سال‌های آغاز جوانی ازدواج می‌کنند. تعالیم اسلامی نیز افراد را به ازدواج در دوران جوانی تشویق و ترغیب کرده است .

فصل اول :

در دوره جوانی فرد بیش از هر دوره دیگری نیازمند سکون و آرامش و

دوستی متقابل است؛ زیرا دوره جوانی، اوج دوستی‌ها و روابط عاطفی

شدید است. از سوی دیگر، این دوره، دوره پدیدآیی بحران‌ها و

مشکلات روانی و اجتماعی متعددی است. در چنین دوره و شرایطی،

همسر انسان بهترین فردی است که موجب برآورده شدن نیازهای

عاطفی می‌شود و حمایت او فرد را برای مواجهه و مقابله با مشکلات این

دوره یاری می‌دهد .

فصل اول :

در قرآن کریم ، بر محبت و پیوند زنان و مردان به یک دیگر، نام «رحمت» و «مودت» نهاده شده و در شمار آیات و نشانه‌های الهی، جای گرفته است:

« وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ » (روم / ۲۱)

«و از نشانه‌های او این که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد، در این نشانه‌هایی است برای آنان که گوش شنوا دارند.»

واژه «مودت» در زبان عرب به معنای دوست داشتن و «رحمت» ، به معنای رقت قلب و مهربانی است .

فصل اول :

فرق میان «مودت» و «رحمت» ممکن است از جهات مختلفی باشد:

اولاً؛ «مودت» انگیزه ارتباط در آغاز زندگی است؛ اما در پایان که یکی از دو همسر ممکن است ضعیف و ناتوان گردد و قادر بر خدمتی نباشد «رحمت» جای آن را می گیرد.

ثانیاً؛ «مودت» در نسبت به بزرگترها است؛ که می توانند نسبت بهم خدمت کنند اما کودکان و فرزندان کوچک در سایه رحمت پرورش می یابند.

ثالثاً؛ «مودت» غالباً جنبه متقابل دارد؛ اما رحمت یک جانبه و ایثارگرانه است ، زیرا برای بقاء یک جامعه گاه خدمات متقابل لازم است که سرچشمه آن مودت است و گاه خدمات بلاعوض که نیاز به ایثار و «رحمت» دارد.

البته آیه مودت و رحمت اشاره به همه انسانها باشد، که دو همسر یکی از مصادیق بارز آن محسوب می شوند.

فصل اول :

ب ؛ تکامل و رشد شخصیت

هیچ انسانی به تنهایی کامل نیست، به همین جهت پیوسته در جهت جبران نقص و کمبود خویش تلاش می‌کند. دختران و پسران جوان پس از دوران بلوغ و جوانی ضمن آن که در صدد رسیدن به **استقلال فکری** هستند، برای جبران نواقص خود و تامین نیازهای فراوان خویش به سوی ازدواج سوق داده می‌شوند و با گزینش همسری شایسته موجبات رشد و تکامل خود را فراهم می‌کنند. هنگامی که فرد در کانون یک زندگی مشترک قرار می‌گیرد، در سایه انس، الفت، محبت و روابط نزدیک و صمیمانه، بیشتر **احساس مسئولیت** می‌کند، استقلال می‌یابد و زندگی خویش را هدفدار می‌کند.

فصل اول :

در زندگی مشترک و خانوادگی زن و مرد از تشویق‌ها، حمایت‌ها، هدایت راهنمایی‌ها و کمک‌های یکدیگر بهرمنده می‌گردند و در برخورد با مسائل و مشکلات زندگی، از تعاون و همکاری همسر خویش استمداد می‌جویند. از این رو، برخورداری از وجود همسری مؤمن و شایسته یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است که برای دنیا و آخرت انسان سودمند است.

تکامل معنوی زن و شوهر و رسیدن به سعادت اخروی از مهم‌ترین اهداف ازدواج است. اینکه در منابع دینی تصریح شده است که فرد با ازدواج نیمی از دین خود را کامل می‌کند، حکایت از آن دارد که ازدواج عامل رشد، به ویژه رشد شخصیت و کمال معنوی افراد است. کمال معنوی مهم‌ترین و عالی‌ترین هدف زندگی انسان و به ویژه تشکیل خانواده است.

فصل اول :

د ؛ پیشگیری از بروز انواع بیماری های جسمی

برخی بیماری های جسمی و ناراحتی های عصبی مانند: تنگی نفس، ناراحتی

قلب، افزایش طبش قلب، خستگی و کوفتگی عمومی، ناراحتی معده،

سردرد، ضعف عمومی و... از خطرهای توصیف ناپذیر عدم ارضای

غریزه جنسی است. از سوی دیگر، برآوردن این غریزه به روش های

نادرست مانند روابط جنسی آزاد، پی آمدهایی به مراتب بدتری چون

بیماری جسمی ناشی از روابط جنسی نا مشروع خواهد داشت.

فصل اول :

ه؛ جلوگیری از بروز انواع اختلالات و بیماری های روانی و عصبی

روان شناسان ریشه بسیاری از عوارض ناراحت کننده عصبی و بیماری های روانی و اجتماعی را **احساس محرومیت** به ویژه در زمینه امور جنسی تشخیص داده اند.

هر گونه **افراط و زیاده روی** (آزادی کامل جنسی) **یا تفریط** (کوتاهی کردن یا سرکوب کردن) و ازدواج نکردن؛ باعث افسردگی، اضطراب، هراس، یأس و ناامیدی، بی قراری و ناآرامی، بی خوابی، بی اشتها، خستگی فکری و... می شود.

فصل اول :

و ؛ بازداشتن از گناه

یکی از آثار ازدواج برای زن و مرد، ایجاد زمینه تقوا و دوری از گناهان است. با اشباع غریزه جنسی در زن و مرد، زمینه گناهان شهوت انگیز از میان می‌رود. این که در قرآن از کسی که ازدواج کرده، به «مُحْصَن و مُحْصَنَه» تعبیر شده است، به جهت این است که زن و مرد، با ازدواج در حِصْنِ سَنَگَرِ مستحکمی قرار می‌گیرند و خود را حفظ می‌کنند تا وسوسه‌های شهوانی در آنان اثر نگذارد؛ بلکه ازدواج، زمینه گناهان دیگر را نیز از بین می‌برد؛ زیرا پذیرفتن مسئولیت تامین و تربیت اولاد، انسان را به استفاده بهینه از عمر وادار می‌دارد و برای گناه و معاشرت‌های گمراه کننده جایی باقی نمی‌ماند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ أَحْرَزَ نَصْفَ دِينِهِ» با ازدواج، نیمی از دین صیانت می‌شود.

فصل اول :

کارکردهای اجتماعی

الف ؛ سلامت و امنیت فردی و اجتماعی

خانواده کوچک ترین واحد اجتماعی و مقدّس ترین نهاد بشری است و در بردارنده پاک ترین و عمیق ترین مناسبات انسانی است که برای سلامت و امنیت و سعادت فرد و اجتماع، سودمند و ضروری است. قرآن کریم زن و شوهر را به لباس یک دیگر تشبیه نموده و فرمود: « نِسَاءِکُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّکُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ » . (سوره بقره ۱۸۷)

فصل اول :

در تشبیه همسر به لباس، نکات لطایفی نهفته است، از جمله :

- * باید لباس در طرح و رنگ و جنس، مناسب انسان باشد، همسر نیز باید هم کفو انسان و متناسب با فکر و شخصیت انسان باشد.
- * لباس مایه‌ی زینت است، همسر و فرزندان نیز مایه‌ی زینت خانواده‌اند.
- * لباس عیوب انسان را می‌پوشاند، هریک از زن و مرد نیز باید عیوب و نارسایی‌های یکدیگر را بپوشانند.
- * لباس انسان را از خطر سرما و گرما حفظ می‌کند، وجود همسر نیز کانون خانواده را از آسیب‌ها حفظ و آن را گرم و زندگی را از سردی می‌رهاند.

فصل اول :

* لباس حریم انسان است و دوری از لباس، مایه‌ی رسوایی، دوری از ازدواج و همسر نیز سبب انحراف و رسوایی انسان می‌گردد.

* لباس متناسب هوای گرم و سرد تنظیم می‌شود، همسر نیز باید اخلاق و رفتار خود را متناسب با نیاز روحی طرف مقابل تنظیم کند؛ اگر مرد عصبانی است، زن با لطافت با او برخورد کند و اگر زن خسته است، مرد با او مدارا کند.

* انسان باید لباس خود را از آلودگی حفظ کند، هر یک از دو همسر نیز باید دیگری را از آلوده شدن به گناه حفظ نماید.

فصل اول :

ب ؛ بقای نسل و سلامت آن: میل به داشتن فرزند و تداوم نسل ها و

پرورش انسان ها از انگیزه و اهداف مهمی است که در طول دوره های

گوناگون، همواره عامل مهم ازدواج و تشکیل خانواده بوده است .

فرزند زایی و تداوم نسل انسانی از مجرای ازدواج، تشکیل خانواده و به هم

پیوستن یک زن و مرد، نخستین عمل و کارکرد اجتماعی خانواده و از

جمله مهمترین اهداف و حکمت های زوج آفرینی آدمیان از سوی

پروردگار حکیم و دانا ست .

فصل اول :

همانطور که خداوند هم در قرآن فرموده اند:

«وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً
وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ..» (نحل / ۷۲) خدا برای شما از (نوع) خودتان (نه
از فرشته گان) همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و
نوادگان به وجود آورد، و شما را از چیزهای پاکیزه (معنوی و مادی
مانند عقل و دین و کتاب آسمانی و خوراکی و پوشاکی و همسر) روزی
نمود. در تعالیم دینی نیز توصیه شده است که با کسی ازدواج کنید که
عقیم نباشد و حتی افراد را به ازدواج با زنانی ترغیب کرده که توانایی
بالای فرزندآوری را داشته باشند.

فصل اول :

در روایتی دیگر به نقل از آن حضرت آمده است:

«بهترین زنان شما زنی است که بچه آور، مهربان، پاکدامن، نزد فامیل عزیز، و محترم و در مقابل شوهر متواضع و فروتن باشد...»

امام صادق علیه السلام نیز زنان را به سه گروه تقسیم کرده اند که در مورد

بهترین آنها را فرمودند: «دوشیزه، زایا و مهربان که در گرفتاری ها به

شوهر در امر دنیا و آخرت کمک می کند و به هنگام سختی بی وفایی

نمی کند.» و در معرفی بدترین آنها: «پر خاشگر، پرتوقع و عیب جوی، که

زیاد را کم می شمارد و اندک را نمی پذیرد.»

البته همینطور اسلام سزاوار زن مسلمان نمی داند که با مرد خواجه و عقیم

ازدواج کند؛ در روایتی امام موسی بن جعفر علیه السلام از ازدواج با مرد

عقیم بر حذر داشته است.

فصل اول :

ج ؛ گسترش روابط و استفاده از تجارب دیگران:

ازدواج وسیله‌ای برای ایجاد روابط خویشاوندی با دیگران است. افراد از راه ازدواج و تشکیل خانواده، حوزه روابط خویش با دیگران را گسترش می‌دهند و رشته پیوند بین اعضای یک نسل را از طریق فرزندان خود به وجود می‌آورند. زن و مرد در ابتدای تشکیل خانواده تجربه زیادی برای اداره زندگی و حفاظت از کارآمدی خانواده ندارند و برای کسب تجربه اداره زندگی و مقابله برخی چالش‌ها نیاز به حمایت خویشاوندان دارند.

فصل اول :

مشورت و نظرخواهی در امور و استفاده از تجربه‌ها و کسب آگاهی‌های

لازم برای زندگی خانوادگی از فواید ازدواج و گسترش روابط

خویشاوندی است. اسلام هم برای روابط خویشاوندی ارزش معنوی

و الهی قائل شده است، به گونه‌ای که خداوند مسئولیت در قبال انجام

وظایف الهی و روابط با خویشان را در یک ردیف بر شمرده است.

رسول گرامی اسلام نیز بالاترین مرتبه پس از ایمان به خدا را

برقراری رابطه با خویشان معرفی کرده است.

فصل اول :

د؛ حفظ عفت جنسی :

حفظ عفت و رعایت اخلاق جنسی فردی و اجتماعی مورد تأکید
تعالیم اسلام قرار گرفته است. ازدواج و تشکیل خانواده بهترین
بستر برای حفاظت از عفت جنسی فردی و اجتماعی است و به
عنوان یکی از اهداف عمده آن به شمار می آید. فشارهای جنسی
در دوران جوانی، که طبیعی و فطری است، فراوان است و معمولاً
جوانان در مهار این نیاز با مشکلات جدی مواجه می شوند و زمینه
بروز رفتارهای ضد اخلاقی و خارج از محدوده شرع آنها را آزار
می دهد.

فصل اول :

تعالیم اسلام ازدواج را برای افرادی که نیاز جنسی شدید دارند و احتمال گناه برای آنان وجود دارد، لازم شمرده و پیامدهای نامطلوب ترک ازدواج را متوجه خود فرد و همه کسانی می‌داند که در فراهم کردن زمینه ازدواج کوتاهی کرده و یا برای تحقق آن مانع‌تراشی کرده‌اند. در تعالیم اسلام به صراحت یکی از اهداف و نتایج ازدواج و تشکیل خانواده را جلوگیری از رفتارهای ضد اخلاقی و حفظ عفت و اخلاق جنسی فردی و اجتماعی بر شمرده است.

فصل اول :

ه ؛ تربیت اجتماعی

تربیت به مفهوم « فراهم آوردن زمینه برای پرورش استعداد های درونی هر موجود و به ظهور و فعلیت رسانیدن امکانات بالقوه درون او » و حوزه وسیعی از آموزش و پرورش های گوناگون جسمی، فکری، فرهنگی، علمی، اخلاقی، مذهبی و... را در بر می گیرد و آن گاه که با پسوند خانواده بیاید، بدین معنا است که در این نهاد کوچک ولی مهم اجتماعی افرادی به عنوان مربیان و کسانی نیز در جایگاه تربیت شوندگان وجود دارند.

فصل اول :

گرچه امروز، مؤسسات تربیتی، به کارکرد دیرین تربیتی کودکان از

سوی خانواده تجاوز کرده و کودک پروری بوسیله کودکانها

رونق یافته است و این مؤسسات تربیتی و آموزشی، هر چند مطابق

اصول علمی هم در پرورش و تربیت نسلهای نو، می کوشند ، اما با

این همه، هرگز جای پدر و مادر را پر نکرده و نخواهند کرد.

فصل اول :

سازمان‌های تربیتی اگر چه بتوانند آداب، سنن و شیوه زندگی را به گونه نظری، به کودک آموزش دهند، اما از ناحیه پرورش رفتاری و تزریق محبت و عواطف روحی که بخشی از نیاز کودک است، هرگز جانشین پدر و مادر نمی‌شوند و این نیاز همچنان بدون پاسخ می‌ماند، مهرورزی و آغوش‌گشایی خالصانه مادر و بوسیدن‌های برخاسته از ژرفای احساس و نهاد جان پدر است که بذر محبت و دوستی واقعی و نه تصنعی را در دل کودک می‌کارد و در گذر عمر، همین محبت‌ها است که بر کناره جویبار زندگی کودک بزرگ می‌شود و برگ و بر می‌دهد.

فصل اول :

هیچ احسان و صمیمیتی مانند محبت پدر و لطف مادر برای فرزند نمی‌تواند ایثار، دگر دوستی و ضعیف‌نوازی را بیاموزد. و اساس خانواده‌های بعدی را که به وسیله کودکان و همسران فردا بنا می‌گردد، استحکام بخشد. چه کودکان تربیت یافته در محیط صمیمی و لبریز از احترام پدر و مادر به یکدیگر، زیاده بر آن که تا زمان عضویت در خانواده پدر و مادر از عوامل مؤثر در ثبات و بقای خانواده و نقطه پیوند والدین خویش به شمار می‌روند، در آینده زندگی و تشکیل خانواده، همچون پدران و مادران خود، بانیان خانواده موفق، ماندگار و شکوفا خواهند بود.

فصل اول :

و ؛ تربیت دینی

یکی از عالی‌ترین غرایز و احساس‌های انسانی که از همان اوان زاده شدن و کودکی، در نهاد هر انسانی وجود دارد، حس مذهبی است. شکوفایی، پرورش و صیانت از این حس، در حیطه خانواده و یکی از کار ویژه‌های آن است. چه «خانواده غالباً مرکز عبادت مذهبی است که در آن پدر نقش روحانی خانواده را بر عهده دارد.»

از همین رهگذر، متون قرآنی و روایی، همان‌سان که دین‌باوران را، مسئول تزکیه، رشد و پرورش دینی، اخلاقی و علمی شخص خویش معرفی کرده است، همان‌سان، در جایگاه سرپرست خانواده، نسبت به تربیت دینی تمام اعضای خانواده، مسئول و مکلف شناخته است .

فصل اول :

خداوند متعال خانواده را کانون تعلیم و تربیت دانسته و مسئولیت آنرا هم بر عهده پدر و مادر می داند :

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ...» (تحریم / ۶)
«ای کسانی که ایمان آورده‌اید؛ خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه دارید.»

شیوه‌های تربیت دینی در خانواده:

تربیت دینی در محیط خانواده با دو شیوه اساسی میسر است :

اول ؛ شیوه کلامی - قولی .

دوم ؛ شیوه عملی - فعلی .

فصل اول :

یکم ؛ شیوه کلامی

منظور از شیوه کلامی (دستوری - بیانی) امر و نهی‌های ارشادی پدر مادر، به یکدیگر و کودکان عضو خانواده است؛ یعنی آموزش و مشورت دهی همسران به یکدیگر و پدر و مادر به فرزندان در انجام احکام و کارهای دینی، اخلاقی و عبادی، شیوه «کلامی» تربیت گفته می‌شود. این نوع تربیت به نوبه خود، در رشد و شکوفایی حس دینی اعضای خانواده به ویژه کودکان، تأثیر فراوان دارد؛ زیرا صمیمیت و پیوند و اشتراک سرنوشت زن و شوهر بستر پذیرش و سخن شنوی از همدیگر را فراهم می‌آورد، چنان که کودک در دوره کودکی وابستگی کامل به والدین دارد و با دید مثبت به آنها می‌نگرد و هر چه از آنان دریافت کند، می‌پذیرد.

فصل اول :

دوم : شیوه عملی

به آن چه اعضای خانواده از اعمال و رفتار یکدیگر، می بینند و می آموزند بدون این که دعوتی از او شده باشد، شیوه «نمادین (عملی)» تربیت گفته می شود. این گونه یادگیری و تربیت **دو نکته بنیادین** دارد؛

نخست این که ؛ دامنه تأثیر این روش بسیار گسترده است، گویی از همین رهگذر یکی از شیوه های تربیتی انبیا علیه السلام تربیت از راه عمل بوده و آنان برای تربیت دینی مردم از این روش استفاده کرده اند؛ تمامی رهبران آسمانی، پیش از آن که به مردم دستوری بدهند، خود به آن عمل می نمودند.

فصل اول :

دوم اینکه ؛ تأثیر گذاری رفتاری خانواده بر یکدیگر هر چند تمامی

اعضای را در بر می گیرد، اما از میان همه، آن کس که بیشترین

اثرپذیری را دارد، کودکان و خورده سالان است.

چشمان ظریف و تیزبین کودک مانند دوربین حساس از تمام صحنه های

زندگی خانواده به خصوص حرکات و رفتار والدین و دیگر اعضای

آن، فیلم برداری می کند. از لبخندها، زمزمه ها و نوازش های والدین

درس خوش بینی، امیدواری، اعتماد و محبت می آموزد و به عکس، از

تندیها، بد رفتاریها و عصبانیت های آنها درس تندى و بداخلاقی را

می گیرد.

فصل اول :

تأثیر گذاری تربیت نمادین و اثرپذیری از آن هر گاه از منظر روابط والدین و فرزندان نگریسته شود، از میان اعضای خانواده، **مادر نقش بیشتری در تربیت کودک می‌یابد. چرا که او نخستین کسی است که رابطه مستقیم با کودک دارد.** نیازهای او را تأمین می‌کند و به خواسته‌هایش پاسخ می‌گوید. از این رو، کودک از عواطف احساسات، نگرش‌ها و اندیشه‌های مادر بیش‌تر متأثر می‌شود. نگاه مثبت قرآن با این تحلیل و ارزیابی را می‌توان از داستان همسر عمران در تربیت دخترش مریم به دست آورد.

فصل اول :

حوزه های تربیت دینی

تربیت دینی در خانواده معمولا در سه حوزه اتفاق می افتد و این مسئولیت پدران و مادران را صد چندان می کند، چرا که اگر کوچکترین بی توجهی در هریک از سه حوزه زیل الذکر رخ نماید، خود موجب انحراف غیر قابل جبران فکری ، عملی و اخلاقی در جامعه خواهد شد ، آن شه حوزه عبارتند از :

اول ؛ حوزه باورها و اعتقادات .

دوم ؛ حوزه اخلاقیات و خلقیات.

سوم ؛ مناسک و احکام عملی .

فصل اول :

ز ؛ کارکردهای اقتصادی

انسان‌شناسان و پژوهشگران جامعه‌شناختی، کارکرد اقتصادی خانواده را پذیرفته و گفته‌اند، علت پیوند پدر و مادر، تنها یا حتی غالباً، امتیازات و بهره‌های جنسی ارزانی شده بر همسران نیست؛ چه در بسیاری از جوامع ابتدایی و همچنین پاره‌ای از جوامع امروزی، روابط جنسی پیش از ازدواج و خارج از حدود زناشویی، وجود داشته و دارد، اما هر دو گروه، خود را بی‌نیاز از تشکیل خانواده نمی‌دیده‌اند. یکی از عوامل مهم حفظ بقای خانواده هسته‌ای، تشریک مساعی اقتصادی بر اساس تقسیم کار بین زن و شوهر است. و از سوی دیگر تشکیل خانواده خود یکی از عوامل رهایی از فقر و از جمله اسباب ثروتمندی و دسترسی به امکانات و رفاه بیشتر زندگی است.

فصل اول :

از سوی دیگر نگرانی که از تنگ دستی، یکی از بهانه‌هایی است که برای گریز از ازدواج، مطرح می‌شود صحیح نیست. قرآن، این گونه به انسان امیدواری می‌دهد: از فقر و تنگ دستی جوانان و مجردان نگران نباشید و در ازدواج آنها بکوشید چرا که اگر فقیر باشند، خداوند از فضل خویش، آنان را بی نیاز می‌سازد: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» برخی گفته‌اند: مفاد این آیه، وعده خداوند به غنا و بی نیازی است برای کسانی که تشکیل خانواده دهند. (سوره

نور آیه ۳۲)

((فصل دوّم))

معیار های ازدواج

* الف: خصوصیات

* ب: کفویت

فصل دوم :

معیار ها و ملاکهای ازدواج موفق

بزرگان و رهبران دینی ما، صاحب نظران، متخصصان خانواده، شرایط و ملاکها و ویژگیهایی را برای ازدواج موفق توصیه می کنند . این توصیه ها را به طور کلی به

دو دسته تقسیم کی کنیم :

الف . شرایط و ویژگی های اولیه

منظور از ویژگی ها و شرایط اولیه این است که دختر و پسر قبل از تصمیم به ازدواج و باید از هر جهت آمادگی برای مسئولیت زندگی را داشته باشند و حداقل دارای سه شرط اساسی که ذیلا اشاره می شود باشند:

اول ؛ بلوغ جسمانی، شرعی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی .

دوم ؛ داشتن هدف و انگیزه برای ازدواج .

سوم ؛ داشتن اطلاعات لازم در مورد حقوق ، تکالیف و وظایف در زندگی مشترک .

فصل دوم :

ب؛ معیارها و ملاکهای ثانویه ازدواج

معیار های ثانویه معیار هایی است که هریک از دختر پسر برای انتخاب همسر خود در نظر می گیرند؛ یعنی دختر و پسر، باید ملاکها و میزان هایی داشته باشند و بدانند چه همسری، با چه مشخصات و چه صفاتی می خواهد؟ ملاکها و معیارها و خصوصیات را که در انتخاب همسر باید در نظر گرفته شود، به دو دسته تقسیم می شود:

اول ؛ آن هایی که رکن و اساس اند و ضروری، که بدون آنها «خانه از پای بست ویران است.»

دوم ؛ آن هایی که شرط کمال هستند و موجب کفویت، که برای بهتر و کامل تر شدن زندگی مورد تاکیدند.

فصل دوم :

الف؛ معیار های ضروری و اساسی:

اول؛ تدین و دینداری : کسی که پای بند دین نیست، تضمینی وجود ندارد

که پای بند رعایت حقوق همسر و ادامه زندگی مشترک باشد. اگر یکی دیندار و دیگری بی دین باشد، زندگی آنان روی سعادت را نخواهد دید. سعادت بدون دیانت محال است. اگر هر دو بی دین باشند، باز تضمینی وجود ندارد که رعایت حقوق یکدیگر را بنمایند. «منظور از دینداری و تدین این است که پای بند کامل به اسلام داشته باشند و اسلام را با جان و دل پذیرفته و در عمل به آن کوشا باشند»، نه تدین سطحی و بی ریشه و بی عمل.

فصل دوم :

بدون تردید از مهم ترین عوامل پیوند پایدار و ازدواج موفق و زندگی آرام، همسویی بینش ها و باورهای دینی و پایبندی عملی زوجین به ارزشها و معارف الهی است . البته چنین گرایشی در امر ازدواج، برخاسته از نهاد پاک و فطرت کمال جوی انسان است و خداوند متعال بهترین ازدواج را وصلت پاکان و متقیان با یکدیگر می داند و می فرماید: «... و الطیبات للطیین و الطیبون للطیبات»

حسن ظن ، عفت و پاکدامنی، امانتداری، وفای به عهد، تقید به امر به معروف و نهی از منکر، رعایت حقوق دیگران، اجتناب از ظلم و تعدی، حجاب و دوری از نامحرم، نجابت و حیا از جمله صفاتی است که می تواند دلیل روشنی در دیانت هر شخص باشد .

فصل دوم :

دوم ؛ داشتن اخلاق خوب :

اخلاق خوب از ویژگی‌های لازم و اساسی برای همسر است. منظور از اخلاق خوب تنها خنده رویی و خوش خلقی نیست، بلکه به معنای اخلاق اسلامی داشتن و نفس را تهذیب و پاک نمودن است.

پیامبر (ص) فرمود: «إِذَا جَاءَكُم مِّنْ تَرَضُّونَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُهُ إِلَّا تَفَعَّلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةً فِي فِي الْأَرْضِ وَ فسادٌ كَبِيرٌ؛ با کسی که اخلاق و دینش مورد پسند باشد، ازدواج کنید. اگر چنین نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد».

فصل دوم :

فردی از امام رضا(ع) سؤال کرد: برای دخترم خواستگاری آمده که بد اخلاق است. آیا دخترم را به او بدهم؟ حضرت فرمود: «لا تزوجه ان كان سيئ الخلق؛ اگر بد اخلاق است، دخترت را به او نده».

نمونه خلاق بد و زشت؛ حسادت ، لجاجت ، تکبر ، بی ادب بودن، بی وفایی، کینه توزی، سوءظن داشتن، سبکی و هرزگی، کم ظرفیتی ، خشن بودن و بد چشمی و مانند آن است .

فصل دوم :

سوم ؛ اصالت خانوادگی:

منظور از شرافت خانوادگی، شهرت و ثروت و موقعیت اجتماعی نیست، بلکه «منظور اصالت، نجابت و پاکی و تدین خانوادگی طرفین است، زیرا ازدواج با یک فرد مساوی است با پیوند با یک خانواده و فامیل ایجاد و یک نسل.» در ازدواج و انتخاب همسر معقول نیست که انسان بگوید: من می‌خواهم با خود این فرد زندگی کنم و کاری به کار خانواده‌اش ندارم. لذا پیامبر(ص) فرمود: «أَنْظُرْ فِي أَيْ شَيْءٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ»؛ نیک بنگر که فرزندات را در کجا قرار می‌دهی، زیرا نطفه و ژن‌ها و خصوصیات ارثی، خواه ناخواه منتقل می‌شود و تأثیر می‌گذارد.

فصل دوم :

پیامبر (ص) فرمود: «بنگرید چه کسی را به همسری بر می‌گزینید، زیرا فرزندان، شبیه و مانند دایی هایشان می‌شوند».

«وَقَامَ النَّبِيُّ خَطِيبًا فَقَالَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي أُنَبِّئُكُمْ بِمَا خَضِرَاءُ الدَّامَنِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ

مَا خَضِرَاءُ الدَّامَنِ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبَتِ السَّوْءِ؛ رَسُولُ خُدا (ص)

سخنرانی کرد و فرمود: ای مردم شما را زنهار می‌دهم از خضراء الدّمن

(گیاهی که در مزبله ها روئیده) پرسیدند یا رسول الله مراد از خضراء

الدّمن چیست؟ فرمود: زن و مردی خوشگل و خوش سیمائی که در

خاندانی پست تولّد یافته باشد»

فصل دوم :

پیامدهای اصالت خانوادگی ؛

در مساله انتخاب همسر، ازدواج با یک فرد، باید به اصالت و شرافت خانوادگی او توجه داشت چرا که : ازدواج یعنی پیوند با یک خانواده ، فامیل و نسل ، زیرا :
اولا ؛ این فرد جزیی از آن خانواده می باشد و مانند یک شاخه از ریشه های همان درخت تغذیه کرده است .

ثانیا ؛ با تشکیل خانواده، یک عمر باید با خانواده طرفین رفت و آمد و معاشرت داشت .

ثالثا ؛ خوب و بد بودن خانواده ها در اجتماع، در زندگی مشترک فرزندان نیز تاثیر دارد .

رابعا ؛ صفات و خصوصیات خانواده از طریق ژن ها در فرزندان و نوه ها تاثیر می گذارد .

خامسا ؛ از نظر ایمان و تقوا و سایر جنبه های اخلاقی و فرهنگی می توانند در رفتار، کردار و گفتار فرزندان تاثیر بگذارند.

فصل دوم :

چهارم ؛ جمال و زیبایی :

زیبایی نیز یک امتیاز است و در شیرینی و سعادت زندگی زناشویی تأثیر به سزایی دارد. اگر انسانی، قیافه ظاهری و اندام همسرش را نپسندد و او را دوست نداشته باشد، ممکن است به طور ناخواسته به او ستم و جفا کند و از او بهانه و ایراد بگیرد و زندگی را بر او تلخ نماید یا حتی بعد از ازدواج دل به دیگری دهد.

به همسران سفارش شده است که خود را برای هم بیارایند و یکدیگر را اشباع و ارضا کنند تا از انحرافات و مفاسد مصون بمانند.

فصل دوم :

الزامات زیبا خواهی ؛

درست است که یکی از عواملی که در ازدواج نقش مهمی دارد، قیافه ظاهری و وضع جسمانی همسر می باشد و لیکن در این مبنا امور زیر را در نظر بگیرید:

الف ؛ گرچه زیبایی ظاهر و تناسب اندام را در انتخاب همسر نمی توان نادیده گرفت اما، **اولا ؛** این مساله نباید به عنوان بزرگ ترین هدف و معیار و ملاک ازدواج محسوب شود، بطوری که دیگر معیارها را تحت الشعاع قرار دهد، **ثانیا ؛** انتخاب همسر باید هر دو بعد زیبایی ظاهری (خوش رویی و تناسب اندام) و زیبایی باطنی یا معنوی (ایمان، تقوا، حیا، عفت، هوش و استعداد، نجابت ، اصالت خانوادگی ، فرهنگ) دقت شود .

فصل دوم :

ب؛ گر چه زیبایی ظاهری امری است پسندیده و نیکو و در انتخاب همسر باید مورد توجه قرار گیرد، لیکن نباید از حد معمول تجاوز کند و به صورت «مشکل پسندی» درآید و انسان را از ازدواج به موقع باز دارد، بلکه اگر از زیبایی نسبی برخوردار بودند و دین و اخلاق همدیگر را قبول داشتند، بهتر است بعد از تحقیقات و شناخت کافی (در همه زمینه ها) از همدیگر، با توکل بر خداوند و راهنمایی و ارشاد والدین، با همسر مورد نظر ازدواج نمایند و مطمئن باشند که عقل و ایمان و اخلاق نیک و خانواده اصیل و با شرافت، بسیاری از کمبودها را جبران می کند .

فصل دوم :

ج : بهتر است پسر و دختر در مراسم خواستگاری، با اجازه و رضایت والدین، همدیگر را ببینند البته دین دختر و پسر به هنگام خواستگاری باید مشروط باشد بر:

۱. نگاه به قصد لذت و ریه (شک و ترس از گناه) نباشد .
۲. ازدواج متوقف بر این نگاه باشد .
۳. مانعی از ازدواج این دو در میان نباشد .
۴. بهتر است این دیدن از روی لباس نازک باشد .
۵. این نگاه آخرین تحقیقی باشد که هر یک از زوجین انجام می دهند.

فصل دوم :

پنجم ؛ کفو همدیگر بودن:

«سنخیت» و «تناسب» و «همتایی» در علم و تحصیلات ، فرهنگ ، فکر و عقل و هوش ، و اخلاق ، سن ، شغل ، مال اگر در تمامی جهات تناسب بیشتر باشد، مشکلات خانوادگی کم تر خواهد بود. هر قدر روحیات دختر و پسر به یکدیگر نزدیکتر باشد پیوند ازدواج آن دو از استحکام بیش تری برخوردار خواهد بود. دختر دیندار باید با شخص دیندار ازدواج کند زیرا دیندار و بی دین به طور طبیعی در مواردی با یکدیگر اصطکاک و درگیری خواهند داشت. فرد تحصیل کرده هم باید با شخص درس خوانده ازدواج کند تا یکدیگر را درک کنند. هم چنین تجربه نشان داده است که وقتی اختلاف سن بین دختر و پسر زیاد باشد پس از گذشت سالیانی چند استحکام خانواده دچار تزلزل می شود. البته همانندی کامل امکان پذیر نیست و نباید در انتخاب همسر وسواسی بود ، ولی همانندی نسبی لازم است.

فصل دوم :

اول ؛ عقل و هوش

بعد از دینداری، اصالت خانوادگی و اخلاق نیک، «عقل و هوش» از مهم ترین شرایط یک همسر خوب محسوب می شود . تدبیر امور زندگی و پیمودن راه سعادت و درستکاری و برطرف نمودن مشکلات زندگی مشترک کار ساده ای نیست .

طبق بررسی ها و مطالعات آسیب شناسی خانواده، اصلی ترین علت کشاکش های خانوادگی، سردی ها و بی رغبتی ها، اخم ها و قهرها، بی تفاوتی ها و افسردگی ها، بدزبانی ها و تندی ها، طردها و خانه گریزی ها، اضطرابها و پریشانیها، گاه اختلالات روانی، برخی آسیب پذیری های رفتاری و کژروی های اجتماعی «همسران» و سرانجام طلاق ها و جداییها و ریشه اصلی همه اختلافات زناشویی، عدم تناسب در «عقل و هوش» بین زن و شوهر می باشد .

فصل دوم :

دوم ؛ تناسب فرهنگی

عوامل فرهنگی یکی از شاخصهای مهمی است که یک زوج را به یکدیگر نزدیک می کند .
زمینه های فرهنگی روابط بین آن دو را خلاق، جالب و پویاتر می نماید . **هر اندازه فرد
با همسر خود وجوه اشتراک فرهنگی بیشتری داشته باشد، برای سازگاری با او آماده
تر و با اختلافات کمتری مواجه می شود .**

هر ازدواجی، اگر از ابعاد گوناگون مورد توجه قرار گیرد، ازدواج موفق است؛ زیرا علی
رغم تلاش طرفین در انتخاب همسری با تشابهات بیشتر ذاتی و اکتسابی، باز هم زن و
مرد تفاوت های بسیار چشمگیری با یکدیگر خواهند داشت . بنابراین آنان باید یاد
بگیرند که با این تفاوت ها زندگی کنند و با حل و فصل تفاوتها و رسیدن به تفاهم در
زندگی مشترک، ثمره این پیوند مقدس یک ازدواج شاد و رضایت بخش باشد

فصل دوم :

از آنجا که یکی از تناسب هایی که باید مورد توجه دختر و پسر قرار گیرد تناسب فرهنگی است اگر خواستگار مورد نظر از شهرستانی است که با فرهنگ و سطح فرهنگی و اجتماعی شما و خانواده تان هم افق است و از تناسب کافی برخوردارید مشکلی را ایجاد نخواهد کرد ولی اگر از دو فرهنگ متفاوتی هستید که ممکن است به تعارض منجر شود و پایه های زندگی مشترکتان را سست می کند، بهتر آن است که از آن صرف نظر کنید. این موضوع و تشخیص آن بستگی به اندکی تحقیق و بررسی و آشنایی بیشتر با سطح فرهنگی شهرستان مورد نظر است و می توان آن را در جلسات گفتگو و رفت و آمد به آنجا روشن کرد

فصل دوم :

سوم ؛ تناسب سنی

توجه به تناسب سنی و جسمی مساله مهمی در زناشویی است و در این زمینه، باید تناسبی باشد تا منجر به عواقب تلخ نگردد . سن پسر و دختر در ازدواج از دو نظر دارای اهمیت است:

الف ؛ جنبه روانی: انسان در فرآیند رشد از نظر روانی، در سنین مختلف، دارای ویژگی های متفاوت می باشد لذا دقت در تناسب روانی زوجین در ازدواج اهمیت دارد.

ب ؛ جنبه (جسمی) فیزیولوژیکی: علاوه بر جنبه های روانی، ارضای غرایز جنسی خود مساله مهمی است مهم نیست که فرد در چه سنی بالغ می شود، آن چه مهم است، این است که دختر و پسر احساس کنند که از نظر فیزیولوژیکی و روانی نیاز به ازدواج دارند.

فصل دوم :

معمولا چون دختران از نظر رشد بدنی و روانی از پسران جلوتر می باشند و رشد آنان سریعتر است و زودتر به سن تکلیف شرعی و بلوغ بدنی می رسند، آمادگی بیشتری برای انتخاب همسر و شروع زندگی زناشویی را دارند .

در روایات اسلامی، راجع به سن ازدواج و فاصله سنی زن و شوهر، اشاره به موضوع بلوغ شده که بلوغ هم مربوط به بعد جسمی آنان می شود هم عقلی و هم اجتماعی و ذهنی البته تفاوت سن دختر و پسر (در ازدواج) با در نظر گرفتن موقعیت جغرافیایی و عوامل فرهنگی متفاوت است .

با توجه به تحقیقات انجام شده و بلوغ زودرس، در بعضی مناطق و موقعیت های مختلف جغرافیایی، فرهنگی، اقتصادی و ...، بهترین سن ازدواج برای دختر خانم ها ۱۶ الی ۲۰ سالگی و برای پسر ها ۱۸ الی ۲۳ سالگی می تواند باشد و مناسب ترین فاصله سنی، پسر و دختر در ازدواج بین ۱ الی ۵ سال می باشد و از نظر روان شناسی و فیزیولوژی ارجحیت دارد . و این تفاوت بدین جهت است که زن ها در اثر بارداری و زایمان و شیر دادن به کودک، غالبا از مردها زودتر پیر و شکسته می شوند و طراوت و شادابی خود را از دست می دهند . زن اگر چند سالی از شوهر کوچکتر باشد، مدت بیشتری می تواند نظر شوهر را به خود جلب کند و تمایلات روحی، روانی و جنسی او را ارضاء نماید؛ در نتیجه، برای همیشه صلح، صفا، دوستی، عشق و محبت در کانون گرم خانوادگی آنان حاکم خواهد شد

فصل دوم :

پنجم ؛ تناسب شغلی و ازدواج

یکی از عواملی که در انتخاب همسر باید مورد توجه قرار گیرد، نوع شغل پسر و دختر می باشد . در مورد شغل شوهر آن چه مهم است، تامین نظر دختر است و بالعکس . در واقع می توان گفت که در گزینش همسر، در رابطه با شغل، موارد زیر باید از طرف هر یک از زوجین مورد توجه قرار گیرد:

اولا ؛ نوع شغل.

ثانیا ؛ محل شغل.

ثالثا ؛ سطح شغل.

رابعا ؛ میزان درآمد.

فصل دوم :

هر مردی باید در اجتماع؛ به کار مشروع و مورد علاقه اش اشتغال داشته باشد . هم به جامعه خدمت کند، هم مخارج خود و خانواده اش را تامین نماید و اسلام نیز مردم را به جدیت و تلاش و کار ترغیب نموده و در این باره امام سجاد (علیه السلام) می فرمایند:

«ان ارضاکم عند الله اسبغکم علی عیاله ؛ خداوند از آن کس خوشنودتر است، که خانواده خود را بیشتر در رفاه و نعمت قرار دهد .

فصل دوم :

هفتم؛ همسانی اجتماعی

همسانی اجتماعی که می تواند در قالب وحدت نژادی، قومی، طبقه اجتماعی، محل سکونت و ... تصور شود، به نزدیک تر شدن افق فکری زوجین و سازگاری بیشتر آنها منجر می گردد. ولی معیاری اصلی نیست زیرا :

همسانی دختر و پسر در معیارهای اساسی، تأثیر اختلاف اجتماعی را تا حدود بسیاری کاهش می دهد.

اسلام هماهنگی اجتماعی همسران را به عنوان عاملی ضروری در نظر نگرفته و حتی در مواردی آن را نادیده گرفته است. مثل تأکید پیامبر (ص) به ازدواج زینب بنت جحش با زید بن حارثه، و یا ازدواج بعضی از ائمه (ع) با کنیزانی که به ظاهر شأن اجتماعی پایینی داشتند ولی مقام و منزلت معنوی آن بانوان باعث شد که لایق مقام مادری معصومین(ع) باشند

فصل دوم :

هشتم ؛ تناسب تحصیلاتی

تحصیلات بالا را به عنوان یک امتیاز به حساب آورد. لذا معمولاً توصیه می‌شود که تناسب تحصیلی طرفین رعایت شود. یعنی ازدواج یک فرد بی‌سواد و یا دارای تحصیلات کم با فردی که تحصیلات بالایی دارد توصیه نمی‌شود. اما در هر صورت این معیار را نمی‌توان معیاری ضروری به حساب آورد .

میزان تحصیلات را نمی‌توان به مثابه عامل اصلی و معیار ضروری در انتخاب همسر در نظر گرفت؛ زیرا برخورداری از سطوح عالی تحصیلاتی همواره مستلزم برخورداری از سطوح عالی بینش و نگرش نیست.

فصل دوم :

ضمن این که افزایش سطح معلومات گاه تنزل سطح اخلاقی افراد را به همراه می آورد. (غرور علمی، حسادت، حق ناپذیری، مجادله و ...). البته معمولاً تحصیلات بالا با فهم و شعور و درک بالای افراد از زندگی همراه است مخصوصاً وقتی که افراد گرفتار غرور و خودپسندی و دیگر صفات مذموم اخلاقی نشوند.

((فصل سوّم))

موانع ازدواج

* الف: فرهنگی

* ب: خانوادگی

* ج : فردی

فصل سوم :

متأسفانه فرآیند ازدواج در کشور ما بسیار طولانی شده است. سنت ها و آداب و رسومی که خیلی از آنها از فرهنگ ها و کشورها و ملل خارجی به عاریه گرفته شده است و برخی از موانع شخصی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی باعث شده اند این فرآیند، طولانی و پرهزینه تر از گذشته هم شده باشند. ما در این فصل به سه دسته از موانع اشاره می کنیم.

الف ؛ موانع فرهنگی

ب ؛ موانع خانوادگی

ج ؛ موانع شخصی

فصل سوم :

الف؛ موانع فرهنگی ازدواج

شاید به تعبیری بتوان گفت : علت اصلی تاخیر در ازدواج ، نه بیکاری است و نه فقر، چرا که در کشور های پیشرفته و مرفه دنیا مانند سوئد و امریکا هم که به قول خودشان مشکل اقتصادی ندارند بیشتر در این چالش دست و پا می زنند. و حتی مناطق مرفه نشین شهرهای کشور خودمان هم که شغل دارند و مشکل مادی هم ندارند ، بیش از مناطق محروم با معضل عدم ازدواج روبرو هستیم . پس مشکل کجاست ؟

به نظر می رسد ریشه اصلی کم اشتهایی، کم رغبتی، در ازدواج را باید در موانع روانی - اجتماعی و فرهنگی جستجو کرد.

فصل سوّم :

به تعبیر دیگر شاید مهمترین موانع ازدواج به لحاظ فرهنگی عبارت باشد از :

الف : تغییر باور ما نسبت به خالق مهربان هستی .

ب : تغییر باور های ما نسبت به مسولیت ها انسانی ، اسلامی ، دینی

ج : تغییر نگاه ما به کارکرد های ازدواج (توجه بیشتر به کارکرد جنسی)

د: عادت به زندگی ماشینی ، خشک ، بی عاطفه و فردگرایانه

ه : عادت کردن به عافیت طلبی و فرار از مسئولیت و تحمل مشکلات.

و : تغییر نگرش ما نسبت به سنت ها (سن ازدواج) ، مهریه (قرار بود موجب مهر

و الفت باشد) ، دوران عقد ، زندگی مستقل (و نه با خانواده و جمعی) و غیره

اول ؛ افزایش سطح انتظارات

در سال های اخیر با رشد صنعتی شدن و سرمایه داری در جامعه، پدیده مصرف زدگی و ایجاد نیازهای کاذب با استفاده از صنعت تبلیغات به وجود آمده است. در چنین اوضاعی، مردم روز به روز نیازهای جدیدی می یابند و بدین ترتیب انتظارات آنها فزونی می یابد و موجب چشم و هم چشمی می شود. در سال های اخیر، ازدواج مطلوب بسته به داشتن تمام امکانات اعم از خانه، اتومبیل و جهیزیه کامل است. چنین انتظاری نه تنها در بین جوانان، بلکه بین والدین نیز دیده می شود؛ بدین ترتیب، بسیاری از جوانان ازدواج را به تأخیر می اندازند و با این توقعات سرسام آور خانواده متزلزلی شکل می دهند.

دوم؛ تفاوت فرهنگی

در این موارد باید به نکات زیر توجه کرد:

- فرد در صورتی که قدرت انطباق با شرایط جدید و متفاوت را دارد، می تواند این ازدواج را بپذیرد.
- فرد باید قبل از ازدواج با فرهنگ و آداب و رسوم طرف مقابل به خوبی آشنا شود تا با رعایت آن، مانع از ایجاد اختلاف با وی یا خانواده و بستگان او گردد. او باید خانواده خود را نیز در این زمینه توجیه کند.
- اگر سطح تفاوت فرهنگی بسیار بالا بود، این ازدواج چندان مناسب نیست؛ زیرا اغلب اختلافات ناشی از تفاوت اعتقادات و رفتارهای برخاسته از فرهنگ فرد است.

فصل سوم :

سوم ؛ اختلاف نظرهای سیاسی

اختلاف در ایده های سیاسی مانع ازدواج نیست، اگر:

- دختر و پسر در کلیات اعتقادات سیاسی با هم مخالف و در تضاد نباشند.

- هر دو یا یکی از آنها تعصب سیاسی نداشته باشند.

- دیدگاه سیاسی خود را با مسائل زندگی خانوادگی درنیامیزند

فصل سوم :

سوم؛ ترویج فردگرایی

اندیشه فردگرایی، از اساسی ترین مبانی اندیشه غربی است که بر پدیده های فردی و اجتماعی جامعه همچون ازدواج، بسیار اثرگذار است. فردگرایی توقعات یک جوان را برای ازدواج افزایش می دهد. در حال حاضر برخی جوانان کمتر می توانند در کنار خانواده زندگی مشترکی را آغاز کنند؛ چرا که در آنها روحیه فردگرایی بر جمع گرایی غلبه یافته و افراد از هم فاصله گرفته اند.

بر پایه فردگرایی و رفاه طلبی، منفعت فرد، انگیزه ارتباط با دیگران است و همین موجب عدم احساس مسئولیت نسبت به دیگران می شود.

فصل سوم:

چهارم؛ باورهای اشتباه

ذهنیت منفی و ترس بیجا از موانع ازدواج است؛ از مصادیق این باورهای نادرست اینهاست:

اولا؛ ترس از محدود شدن آزادی های دوران مجردی: تمام آزادی های دوران مجردی در زمان تأهل وجود ندارد. از دست دادن آزادی دوران مجردی، بهای رشد و آرامش گرانبهائی است که در دوران تأهل به دست می آید. برای اینکه حس آزاد نبودن بر فرد مستولی نگردد، بهتر است طرح تازه ای برای روابط با دوستان گذشته داشته باشد؛ این کار از یک سو منجر به برخورداری از محیطی جدید می شود و از سوی دیگر از روابط دوره مجردی نیز در حد متعادل استفاده می گردد.

فصل سوم :

ثانیا ؛ ترس از تجربیات ناموفق دیگران: بیشتر کسانی که در ازدواج شکست خورده اند، ناخواسته نسبت به ازدواج دیدگاه منفی می یابند. از این رو، اگر فردی اثرپذیر هستید، با آنان مشورت نکنید و فقط از تجربه های آنان برای تکرار نشدن اشتباه ها بهره مند شوید.

ثالثا ؛ ترس از مشکلات زندگی: یادآوری سابقه پیروزی بر مشکلات موجب افزایش امید و کاهش ترس می شود. از سویی مشورت با افراد موفق در زندگی، برای کاهش ترس از دشواری های زندگی مشترک بسیار مؤثر است. در انتخاب شریک زندگی نیز باید توانایی وی در حل معضلات را مورد نظر قرار داد. باور به از عهده مشکلات و سختی ها برآمدن نیز بسیار کارگشااست.

فصل سوم :

رابعاً ؛ مقایسه با دیگران : راز یک انتخاب صحیح، تناسب زن با مرد و مرد با زن است،

نه تناسب با دوستان و آشنایان. مقایسه خود با دیگران جز یأس و بالا رفتن

انتظارات پیامدی ندارد. بنابراین هر کس باید خود را فقط با توانمندی ها و

محدودیت های خود مقایسه کند تا با رسیدن به سطحی از خودشناسی، برای

ازدواج تصمیم بهتری گیرد.

خامساً ؛ تأکید بر ازدواج فرزندان بزرگ تر : موضوع رعایت ترتیب بین فرزندان برای

ازدواج، گاهی ممکن است مانعی برای ازدواج، به ویژه دختران محسوب شود.

برخی مواقع خواهر کوچک تر تنها به دلیل مجرد خواهر بزرگ تر مجبور به رد

کرد خواستگار خویش است. البته ازدواج خواهر کوچک تر قبل از خواهر بزرگ

تر باید به گونه ای صورت پذیرد که موجب سرشکستگی یا افسردگی خواهر

بزرگ تر نشود.

فصل سوّم :

ب ؛ موانع خانودگی

اول ؛ بیماری والدین

گاه به دلیل بیماری پدر یا مادر یا هر دوی آنها، فرد مجبور است به مراقبت از آنان پردازد. بهتر است در این هنگام نیز ازدواج به تأخیر نیفتد تا فرصت های مناسب از دست نرود؛ ضمن آنکه پدر و مادر نیز از تأخیر ازدواج فرزندشان رنجیده خاطر خواهند شد. در این خصوص اگر مسئولیت رسیدگی به آنها بین خواهران و برادران تقسیم گردد، گره گشاست.

دوم ؛ تکفل خانواده

گاه تکفل خانواده (سرپرستی مالی یا معنوی پدر، مادر، خواهران و برادران) برای ازدواج مانع است. بنابراین باید ضمن احترام و وقت گذاری مناسب برای خانواده، آرام آرام خود و خانواده را برای این موضوع آماده نمود. البته حمایت مالی و معنوی فرد نسبت به خانواده پس از ازدواج نباید قطع شود و خانواده نیز باید از این تصمیم آگاه گردد.

سوم ؛ اختلاف یا طلاق والدین

طلاق والدین موجب ایجاد شبهه برای خانواده طرف مقابل می شود. از این رو، لازم است در جلسات خواستگاری ضمن مطرح کردن به موقع این موضوع، دلایل طلاق والدین برای آنها توضیح داده شود.

چهارم ؛ سوابق ناپسند والدین

تأخیر ازدواج به دلیل اعتیاد والدین یا سوء سابقه آنان روا نیست؛ فقط توجه شود فرد نامناسب به عنوان راه فرار انتخاب نشود که پشیمانی به دنبال دارد.

اگر سایه بدنامی اعتیاد، انحراف اخلاقی، بزه کاری یا حبس والدین، زندگی آینده را تهدید می کند.

پنجم؛ ازدواج با سرپرست خانواده

دختری که با سرپرست خانواده ازدواج می کند، باید در نظر داشته باشد: در صورتی که قدرت تحمل بالایی دارد، پیشنهاد ازدواج را بپذیرد و پس از ازدواج بر صبر و مدارای خود بیفزاید. دخالت های دلسوزانه خانواده همسر، آگاهی آنها از مسائل خصوصی زندگی، عدم استقلال در بسیاری مواقع و توجه هم زمان همسر به دو خانواده به دلیل مسئولیت های دوگانه و ایجاد دوگانگی در تربیت فرزندان می تواند از مشکلات پیش رو باشد؛ هر چند در این نحوه زندگی، آنها هنگام نیاز دارای حمایت کنندگان بیشتری خواهند بود و می توان از تجربه های مادر شوهر در زندگی خود و فرزندان بیشتر بهره مند شد و در غیاب همسر هم صحبت و مونس داشت

فصل سوّم :

ششم ؛ مخالفت والدین

در صورتی که پدر یا مادر با ازدواج فرزند مخالفت کنند، مهم ترین رخداد زندگی او بدون همراهی و تایید بزرگ ترین حامیانش خواهد بود و آغاز زندگی مشترک با اضطراب و تنش همراه خواهد شد. پس باید موافقت آنها جلب شود.

فصل سوم :

الف ؛ موانع شخصی در ازدواج

نخست ؛ مشکلات اقتصادی

عوامل اقتصادی همچون بیکاری، شغل پاره وقت و غیر دائم، شغل هایی با درآمد کم، افزایش قیمت ها و ناتوانی در برگزاری مراسم ازدواج، خرید جهیزیه، پرداخت مهریه، خرید مسکن و پرداخت هزینه های زندگی، از موانع اقتصادی ازدواج بشمار می رود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر کس از ترس فقر ازدواج نکند، حتماً نسبت به خداوند عزیز و جلیل بدگمان شده است؛ به استناد وعده خداوند که فرمود: «اگر فقیر باشند، خداوند از فضل خوشی آنان را بی نیاز می کند».

فصل سوم :

دوم ؛ نیافتن فرد مناسب

امروزه به دلیل کم رنگ شدن ارتباط های فامیلی، کاهش مهمانی های دسته جمعی و صمیمانه، کم شدن احساس مسئولیت بستگان، دوستان و آشنایان در معرفی دختر و پسرهای هم شأن، نیافتن فرد مناسب از موانع ازدواج شده است. افزون بر این، تحول زندگی های کنونی به خصوص در شهرهای بزرگ، مهاجرت ها، گسست های قومی و فرهنگی و نداشتن ارتباط های محلی باعث شده فرصت های شناخت خانوادگی در بین افراد کم شود.

سوم؛ ادامه تحصیل

گاهی بالا رفتن سطح تحصیلات در پسران باعث تأخیر زمان سربازی، عدم اشتغال ثابت و دور شدن از آمادگی برای ازدواج می شود. در دختران نیز به دلیل ایجاد دل مشغولی و دغدغه تحصیل، معمولاً ترجیح داده می شود ازدواج و کسب آمادگی برای آن به بعد از فراغت از تحصیل موکول می شود که این مسائل، شرایط ازدواج را دشوار می کند. همچنین دختران با تحصیلات بالا، کمتر به ازدواج با پسرانی هم ردیف یا کمتر از خود تن می دهند؛ ضمن آنکه رعایت نکردن تناسب تحصیلی در انتخاب، ممکن است به عدم تفاهم فکری در زندگی نیز بینجامد.

فصل سوّم :

چهارم ؛ مشکل سن

کم یا زیاد بودن سن، گاه مانعی است برای ازدواج، برخی از پایین بودن سن، کوتاه فکری را استنباط می کنند، در حالی که این کم سنی اغلب موجب انعطاف پذیری، گذشت، نشاط روحی بیشتر، داشتن انتظارات کمتر، آسیب پذیری کمتر و سازگاری با همسر و در نهایت آرامش بیشتر می گردد. بالا رفتن سن نیز به خصوص در دخترانی که از سن بچه دار شدن آنها گذشته موجب اکراه از ازدواج است.

فصل سوم :

پنجم ؛ سربازی

یکی از مشکلات ازدواج پسران، خدمت سربازی است؛ به ویژه در مورد دانشجویانی که به دلیل اشتغال به تحصیل، دوره سربازیشان به تعویق می افتد. این امر خود باعث بروز مشکلاتی می شود؛ از جمله بالا رفتن سن، بیکاری یا پرداختن به شغل پاره وقت و صرف وقت کمتر در کنار خانواده. البته وضعیت سربازی نسبت به گذشته بسیار متفاوت شده؛ به خصوص برای متاهلان که سربازی آنها در شهر محل سکونت گذرانده می شود و به دلیل اختصاصی نیمی از روز به سربازی، فرد می تواند به شغلی نیمه وقت نیز بپردازد.

((فصل اوّل))

حقوق متقابل خانواده

* الف: حقوق مشترک زوجین

* ب: حقوق زن بر شوهر

* ج: حقوق شوهر بر زن

فصل اول :

تکالیف مشترک زوجین

یکم؛ حسن معاشرت

حسن معاشرت یکی از تکالیف مشترک زن و شوهر است ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی در این زمینه می گوید: زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند. حسن معاشرت یا خوش رفتاری زن و شوهر مربوط به عرف و عادت و رسوم اجتماعی است و مقتضای آن بر حسب زمان و مکان تغییر خواهد کرد. به طور کلی می توان گفت حسن معاشرت ایجاب می کند که زن و شوهر با خوشرویی و مسالمت و صمیمیت با هم زندگی کنند و از مجادله و ناسزاگویی و اهانت به یکدیگر پرهیزند.

فصل اول :

دوم ؛ معاضدت (مشارکت و همکاری)

زوجین باید در محکم کردن مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند. هدف اصلی ازدواج همکاری در زندگی و اشتراک مساعی زن و شوهر در تامین سعادت و رفاه خانواده است. البته معاضدت زوجین به یکدیگر نیز مفهومی عرفی است و حدود آن با توجه به عرف و عادت مقتضیات زمان و مکان تعیین می شود. مثلاً ممکن است بنا به مقتضیات زمان و مکان خرید لوازم و نیازمندیهای خانه به عهده مرد یا زن باشد یا زن مکلف به اداره امور داخلی منزل باشد تکلیف معاضدت اقتضا می کند که هیچ یک از زن و شوهر نتواند برای کارهایی که در مقام ایفا وظیفه انجام داده است مطالبه مزد کنند.

فصل اول:

سوم؛ وفاداری

زن و شوهر باید نسبت به یکدیگر وفادار باشند بدین معنی که از برقراری رابطه نامشروع با دیگران پرهیزند. البته اختیار همسر دیگر با رعایت مقررات، منافاتی با وظیفه وفاداری به مفهومی که در اینجا مورد نظر است ندارد. اگرچه این تکلیف صریحاً در قانون مدنی ذکر نشده لیکن عرف و عادت مسلم و مقررات جزایی حاکی از وجود آن در حقوق ایران است.

فصل اول:

چهارم؛ رعایت حقوق یکدیگر

وظیفه اصلی زن و شوهر رعایت حقوق شرعی و قانونی یکدیگر است
در این صورت است که خانواده از نظام استبدادی و زن سالاری و
مرد سالاری نجات یافته و حق خواهی و حق سالاری و تکلیف
مداری، حاکمیت می یابد.

فصل اول:

پنجم؛ امر به معروف و نهی از منکر

در قرآن با ۹ بار تکرار، وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر زن و مرد مسلّم گردیده بنابر این، بر همه مسلمانان از جمله زن و شوهر لازم است یکدیگر را در معروف و منکر تذکر دهند

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (توبه، آیه ۷۱) «مردان و زنان مؤمن بر یکدیگر ولایت دارند، یکدیگر را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند» همچنین، حدیثی مسئولیت همگانی را بیان می‌دارد: «کَلَّكُمْ رَاعٍ وَ كَلَّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ». «همه شما سرپرست و مسئول هستید و درباره زیردستانتان باز خواست می‌شوید.

فصل اول:

ب؛ حقوق زن بر شوهر

اول؛ پرداختن نفقه زن

نفقه زوجه از جمله مواردی است که پس از جاری شدن عقد بین زوجین

برعهده مرد است. نفقه زوجه شامل «مسکن»، «البسه»، «غذا»، «اثاث»

منزل و «دارو» و هزینه های درمان و «خدمتکار». رسول حق (ص) می

فرماید: «فَعَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»

برای ماده ۱۰۶ قانون مدنی "در عقد دائم نفقه زن به عهده شوهر است".

این مزیتی است که قانونگذار ایران برای زن قائل شده است.

فصل اول:

دوم ؛ تعهد مهریه

مهر یا صداق که به فارسی کابین گفته شده است مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می گردد و مرد ملزم به دادن آن به زن می شود نهاد مهر در حقوق ایران مبتنی بر سنت و مذهب است و نظیر آن را در حقوق غربی نمی توان یافت. .

انواع مهر

الف ؛ مهر المسمى: (مهر در عقد ازدواج تعیین شده باشد آن را مهر المسمى گویند)

ب ؛ مهر السنة: (مهری است که پیامبر (ص) برای دخترش فاطمه (ع) تعیین کرد)

ج ؛ مهر المثل: (مهر المثل مهری است که به موجب قرار داد تعیین نشده، بعد ارتباط)

د ؛ مهر المتعه: (مهر المثل مهری است که به موجب قرار داد تعیین نشده قبل ارتباط)

فصل اول:

سوم؛ پرداختن نحله (هدیه اجباری)

در صورتی که مرد در مقام طلاق زن برآید و وقوع طلاق ناشی از تقصیر و تخلف زن نباشد مرد مکلف است مبلغی به عنوان بخشش اجباری به زن بپردازد.

چهارم؛ ارث از همسر

مقررات مربوط به ارث قانون مدنی ایران، از قرآن کریم که قسمت عمده‌ای از احکام ارث را در سوره نساء بیان کرده و احکام فقه امامیه گرفته شده است. طبق ماده ۸۶۱ قانون مدنی دو چیز موجب ارث است: یکی نسب و دیگری سبب است و منظور از سبب زوجیت است و به موجب آن زن و شوهر حق ارث بردن از یکدیگر را دارند.

فصل اول:

پنجم ؛ گشایش در زندگی

رسول حق (ص) فرمود :

کسی که به بازار می رود و برای عیالش تحفه می خرد، مانند کسی است که به خانه مستمندان صدقه می برد، او باید تحفه خریده شده را وقتی به خانه می برد ابتدا به دخترانش بدهد، زیرا هر کس دخترش را خوشحال کند چنان است که بنده ای از نسل اسماعیل آزاد کرده، و هر کس دیده ی پسرش را با بردن تحفه روشن کند، گویا از ترس خدا اشک ریخته، و کسی که از ترس خدا گریه کند حضرت حق او را وارد بهشت های پر نعمت کند.

امام چهارم (ع) فرمود: «**إِنَّ أَرْضَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَسْبَغُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ: هَر** که بر خانواده اش بیشتر توسعه دهد، حضرت حق از او خشنود تر است»

فصل اول:

ششم؛ احترام به زن

رسول حق (ص) فرمود: «مَنْ اتَّخَذَ زَوْجَةً فَلْيُكْرِمْهَا: کسی که زن می

گیرد، باید او را احترام کند.»

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: «وَإِنَّهُنَّ أَمَانَةٌ فَلَا تُضَارُّوهُنَّ وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ

زنان در دست شما امانت هستند، بر آنان سخت نگیرید، و

بلا تکلیفشان مگذارید.»

فصل اول:

هفتم؛ آراسته و پاکیزه بودن

همان طور که مرد، زن خود را دوست دارد زیبا، پاکیزه، خوش لباس، معطر ببیند، زن هم از مرد خود همین توقع را دارد، نظافت، پاکی، حمام، مسواک، سرشستن، شانه زدن، ناخن گرفتن، عطر زدن، لباس منظم و پاکیزه پوشیدن و سایر زینت های حلال بر اندام مرد زن را خوشدل و راضی می کند، و به عفت و پاکدامنی او می افزاید و از چشم دوختن به دیگران و در خیال گرفتن غیر شوهر حفظ می کند.

حضرت رضا(ع) از پدران بزرگوارش روایت می کند:

«إِنَّ نِسَاءَ بَنِي إِسْرَائِيلَ خَرَجْنَ مِنَ الْعَفَافِ إِلَى الْفُجُورِ، مَا أَخْرَجَهُنَّ إِلَّا قِلَّةٌ تَهَيَّئَهُ أَزْوَاجَهُنَّ إِنَّهَا تَشْتَهِي مِنْكَ مِثْلَ الَّذِي تَشْتَهِي مِنْهَا: زَنَانُ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَزْوَاجَهُنَّ مِنْ عِفْتٍ وَبَاكِ دَسْتِ كَشِيدَةٍ أُنْدَ، وَ أَيْنَ مَسْئَلُهُ هِيَ عِلْتَى نَدَاثَتِ جِزْ أَيْنَكُ شَوْهَرَانِ أُنْ هَا خُودَ رَا نَمِي أَرَاثَتُنْدَ ، سِپِسَ فَرَمُود: زَن هَم اَز مَرْد هَمَان اِنْتِظَارِي دَارْد كِه مَرْد اَز او دَارْد.»

فصل اول:

هشتم؛ خوش زبانی و مدارا

درشت گویی، بدزبانی، تندى، سخت گیرى طرف مقابل انسان را هر که باشد وادار به عکس العمل می کند. حال و مقال وقتى خارج از حدود باشد، زن را دلگیر، و روحیه ی او را کسل و در نتیجه فضای زندگى به تلخى و سردى می گراید.

امیرالمؤمنین (ع) در این زمینه به مردان، چنین دستور می دهد: «فَدَارُوهُنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ أَحْسِنُوا»: با آنان در همه حال مدارا کنید، خوش زبان و نرم خو باشید، «

فصل اول:

نهم؛ دچار وادادگی در مسئولیت نشود

بعضی از مردان آزادی خداداده، و ارداه و اختیار خود چشم می پوشند، و در بست در اختیار زنان قرار می گیرند، و بعضی از زنان با تسخیر و اختیار شوهر، حاکمیت بر زندگی را به دست می گیرند و مرکب حیات را به هر جا که خاطرخواه آن هاست می رانند.

این نوع زندگی به طور اغلب به یک زندگی شیطانی تبدیل شده و موجی از گناه و معصیت، و اسراف و تبذیر، و خواسته های نامشروع زندگی را پوشانده و معنویت را فراری داده و خانه و خانواده را از اصول انسانی و الهی منحرف نموده است.

فصل اول:

ج؛ حقوق شوهر بر زن

یکم؛ اطاعت کردن

رسول حق (ص) فرمود:

«إِذَا صَلَّتِ الْمَرْأَةُ خَمْسَهَا، وَصَامَتْ شَهْرَهَا، وَحَجَّتَ بَيْتَ رَبِّهَا، وَاطَاعَتْ زَوْجَهَا، وَ
عَرَفَتْ حَقَّ عَلِيٍّ (ع) فَلْتَدْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ شَاءَتْ:» به هنگامی که زن نماز
واجب پنج وقت را بخواند، و روزه ی رمضان را بگیرد، و حج خود را انجام دهد
و از شوهرش فرمان ببرد، و حق علی (ع) که امام واجب الطاعة است بشناسد،
از هر دری از هشت در بهشت که می خواهد به بهشت درآید.»

فصل اول:

دوم؛ تمکین کردن

تمکین دارای دو معنی خاص است و عام.

تمکین به معنی خاص؛ تمکین به این معنی است که زن نزدیکی جنسی با شوهر را به طور متعارف بپذیرد و جز در مواردی که مانع موجهی داشته باشد از برقراری رابطه جنسی با او سر باز نزند. البته این وظیفه ویژه زن نیست؛ شوهر نیز مکلف است در حدود متعارف رابطه جنسی با زن داشته باشد و در غیر این صورت بر خلاف وظیفه حسن معاشرت رفتار کرده است. بنابراین وظیفه برقراری رابطه جنسی از تکالیف مشترک می آید.

تمکین به معنی عام؛ تمکین به این معنی عبارت است از اینکه زن وظایف خود را نسبت به شوهر انجام دهد و از او در حدود قانون و عرف اطاعت کند و ریاست شوهر را در خانواده بپذیرد. پس اگر شوهر توقعات نامشروع و غیرمتعارف از زن داشته باشد، زن مکلف به اطاعت از او نیست.

فصل اول:

سوم؛ هماهنگی در بیرون رفتن از خانه

متأسفانه این واقعیت بسیار سودمند، یعنی وجوب اطاعت زن از شوهر در بیرون رفتن از خانه از جانب بسیاری از زنان، که از حیثیت الهی زن بودن خود دست برداشته اند و برای خود نسبت به شوهرشان مردی قائل اند تعطیل شده. اگر بیرون رفتن زن از خانه به صورت آزاد و دلخواه مصلحت بود، خداوند مهربان، آن را گره به زلف اجازه ی شوهر نمی زد.

چهارم؛ پرهیز از آزار شوهر و تندخویی و بدزبانی

رسول اسلام (ص) در این زمینه سخنانی خود ارز زنان گلایه کردند. یک از زن ها گفت :

«مگر ما نیستیم که مادری می کنیم، کودک را ماهها در شکم می پرورانیم، به او شیر

می دهیم، مگر این دختران سرپرست خانه ها، و این خواهران دلسوز برادرها از

جنس ما نیستند ؟ فرمود : چرا، باردار هستید، فرزند می آورید، شیر می دهید، مهربان

و باعاطفه اید، اگر ناسازگاری با شوهر و آزار دادن به او نبود هیچ زن نمازگزاری به

آتش قیامت نمی سوخت .علی ابن جعفر از برادرش امام کاظم (ع) پرسید:

«الْمَرْأَةُ الْمُغَاضِبَةُ زَوْجَهَا هَلْ لَهَا صَلَاةٌ وَمَا حَالُهَا؟ قَالَ لَا تَزَالُ عَاصِيَةً حَتَّى يَرْضَى عَنْهَا:

زنی که با سوء خلق، بد زبانی، درشت گویی، مردش را خشمگین کند نماز و حالش نزد

خدا چگونه است؟ فرمود: در معصیب به سر می برد تا وقتی که شوهر راضی شود»

پنجم؛ احترام به شوهر و خوشرفتاری با او

امام هفتم (ع) فرمود: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ: جهاد زن، نیکو شوهر داری است».

سپاس از زحمات مرد، با محبت و مهربانی با او سخن گفتن، صبر بر نداری و فقر او، پذیرایی عاشقانه از وی، استقبال به وقت آمدن، بدرقه ی او به وقت رفتن، تمکین بی چون و چرا در ایامی که مجاز است، آرایش و زینت و خوب پوشیدن برای او، اداره ی امور زندگی به نحوه ی شایسته و مناسب، قناعت در مخارج، تحمیل نمودن بیش از حد قدرت بر شوهر، و امثال این امور که رسول اسلام و امامان معصوم به عنوان وظیفه ی زن در برابر شوهر معیین فرموده اند جهاد زن و نیکو شوهر داری اوست.

فصل اول:

ششم؛ برای غیر شوهر خود را نیاراید

رسول حق (ص) فرمود:

زر و زیور خود را در در منظر و دیدگاه غیر شوهر مگذار، در غیاب شوهر خود را خوش بو مکن، روسری خود را که جلب نظر میکند، و مچ دست را نشان مده اگر چنین کنید دینتان را تباه و خدا را به خشم آورده اید.

نَهَى النَّبِيُّ أَنْ تَلْبَسَ الْمَرْأَةُ إِذَا خَرَجَتْ ثَوْباً مَشْهُوراً أَوْ تَتَحَلَّيْبَ مَا لَهُ صَوْتُ يُسْمَعُ.

رسول حق از اینکه در خارج از خانه لباس چشم گیر بپوشد، به صورتی که نظر دیگران را جلب کند نهی فرمود، و از اینکه زیور صدا دار با خود بردارد قدغن نمود.

فصل اول:

هفتم؛ بدون اجازه ی شوهر در اموال او تصرف نکند

امام ششم (ع) می فرماید:

«لَيْسَ لِلْمَرْأَةِ أَمْرٌ مَعَ زَوْجِهَا فِي عِتْقٍ وَ لَا صَدَقَةٍ، وَ لَا تَدْيِيرٍ وَ لَا هِبَةٍ وَ لَا

نَذْرٍ فِي مَالِهَا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا إِلَّا فِي زَكَاةٍ أَوْ بَرٍّ أَوْ صِلَةٍ قَرَابَتِهَا: زن

مجاز نیست بدون اذن شوهر از مال او برده آزاد کند یا صدقه

دهد، یا چیزی ببخشد، یا نذر مالی کند، امّا زکات واجب و صله ی

رحم، و احسان نیاز به اجازه ندارد»

((فصل دوم))

جمعیت و خانواده

* الف: تعریف جمعیت و خانواده

* ب: هرم سنی و عوامل موثر بر آن

* ج: انواع تیپ های خانوادگی

فصل دوم :

تعریف جمعیت: جمعیت تجمعی از افراد انسانی است که در منطقه ای معین (روستا، شهر، شهرستان، استان یا کشور) به طور مستمر و معمولاً به شکل مجموعه ای از خانوارها زندگی می کنند و پایگاه سیاسی، شرایط ملی و قومی واحدی دارند.

تعریف جمعیت شناسی: واژه دموگرافی Demography (جمعیت شناسی) در ترجمه تحت اللفظی آن از یونانی به معنای توصیف مردم است. جمعیت شناسی یکی از رشته های علوم اجتماعی است که «مطالعه ساختار جمعیتی در ابعاد مختلف توصیف و تحلیل آماری بررسی حرکات جمعیتی روابط متقابل ما بین پدیده های جمعیتی از جنبه های اقتصادی، اجتماعی و زیستی همگی در چارچوب آن بررسی می گردد.»

فصل دوم :

اقسام جمعیت

جمعیت براساس قلمرو زندگی به دو دسته تقسیم می شود :

اول ؛ جمعیت مقیم(قانونی): تمام کسانی را شامل است که تابعیت کشوری

را دارند و یا اهل منطقه ای هستند صرف نظر از اینکه هنگام سرشماری

در محل حضور داشته باشند یا نداشته باشند.

دوم ؛ جمعیت واقعی(حاضر یا سرشماری شده): صرفا کسانی را شامل

است که در هنگام سرشماری در محل حضور داشته باشند و مورد

شمارش قرار بگیرند

فصل دوم :

- به طور کلی مباحث مطرح جمعیت شناسی با توجه به موارد زیر قابل بررسی می باشد
- الف؛ حجم جمعیت:** زیربنای برنامه ریزی صحیح داشتن اطلاعات آماری دقیق و شناسایی درست از وسعت و اندازه جمعیت می باشد. شناسایی ابعاد جمعیتی از مهمترین وجوه در بررسی های کمی جمعیت شناسی می باشد. در ایران وظیفه ثبت اندازه جمعیت به عهده مرکز آمار ایران است که طبق قانون جدید هر پنج سال یک بار انجام می شود.
- ب؛ توزیع جمعیت:** توزیع و پراکندگی جمعیت از نظر سنی، جنسیت، جغرافیایی، وضع تاهل، اشتغال، تحصیلات و موارد مشابه دیگر در این بخش مورد مطالعه قرار می گیرد.
- ج؛ حرکات جمعیت:** جمعیت هیچگاه وضع ثابتی ندارد بلکه همواره در حال تغییر و دگرگونی است، این تغییرات غالباً به صورت انواع مهاجرت، زاد و ولد و مرگ و میر بررسی می شود.

فصل دوم :

توزیع جمعیت

معمولاً توزیع جمعیت را به دو صورت محاسبه می کنند:

یکم؛ توزیع جمعیت بر حسب جنسیت: نسبت موالید پسر به دختر را «نسبت

جنسی» زمان تولد می نامند و با تقسیم تعداد مردان یک جمعیت بر تعداد زنان همان جمعیت محاسبه می شود. بنا براین نسبت جنسی بر حسب تعریف عبارتست از تعداد مردان در مقابل ۱۰۰ نفر زن.

نسبت جنسی یک جمعیت تا حد زیادی بستگی به مرگ و میر نسبی مردان و زنان و همچنین بستگی به توزیع نسبی و جنسی مهاجرین به داخل و یا به خارج و جنگ های بزرگ که معمولاً نسبت جنسی را به علت مرگ و میر بیشتر و قابل ملاحظه مردان، پایین می آورد.

فصل دوم :

نسبت جنسی را می توان جداگانه برای سنین و یا گروههای سنی مختلف محاسبه کرد . نسبت جنسی در هنگام تولد تقریباً در بیشتر کشورهای جهان در حدود ۱۰۵ تولد پسر در مقابل ۱۰۰ تولد دختر است.

دوم؛ توزیع جمعیت بر حسب سن:

توزیع سنی جمعیت به معنی دسته بندی کردن افراد جمعیت بر اساس سن آنان است که یکی از ویژگیهای کمی ساختمان جمعیت در مباحث جمعیت شناسی است.

فصل دوم :

منابع اطلاعات جمعیتی

مطالعه جمعیت از دو راه انجام می گیرد : **یکی**؛ از طریق از عکسبرداری در زمان معین از وضع جمعیت . **دوم**؛ طریقه دیگر بررسی «حرکات جمعیت» از راه ثبت عوامل تشکیل دهنده آن مانند تولد، مرگ و میر و مهاجرت است.

روش های سرشماری جمعیت :

الف؛ سرشماری و آمارگیری نمونه ای که نشان دهنده وضع جمعیت در یک زمان معین است.

ب؛ دفاتر ثبت احوال که اطلاعاتی در باره حرکات جمعیت فراهم می کند.

فصل دوم :

هرم های سنی جمعیتی

یکی از طرق نشان دادن ساختار سنی جمعیت هرم سنی است. به عبارت دیگر برای نشان دادن ساختمان سنی جمعیت در یک زمان معین از نموداری استفاده می شود که هرم سنی نامیده می شود که در آن فراوانی افراد در هر یک از سنین یا گروههای سنی به صورت سطح (هیستوگرام) نمایش داده می شود. هرم سنی از دو محور عمود بر هم تشکیل می گردد که محور عمودی برای سن و محور افقی برای تعداد نفرات به کار می رود معمولاً قسمت راست هرم به زنان و قسمت چپ هرم به مردان اختصاص دارد.

فصل دوم :

در هر هرم سنی بایستی در محور عمودی تقسیمات سن را به دقت تعیین نمود تا معلوم شود مقصود از این تقسیمات سنین منفرد است یا گروههای سنی. بهترین بعدی که برای ساختن هرمهای سنی قبول شده این است که در طول محور عمودی مساوی دو سوم طول محور افقی باشد. دقت نمایش هرم سنی به تقسیمات سنی محور عمودی بستگی دارد. دقیق ترین طریقه نمایش ساختمان سنی و جنسی به کار بردن فراوانی بر حسب سنین منفرد است. با این روش می توانیم تاریخچه جمعیت را مورد مطالعه قرار دهیم.

فصل دوم :

عوامل موثر بر شکل هرم سنی یک کشور

یکی ؛ تعداد موالید در هر یک از نسل ها

دوم ؛ تقلیل تعداد افراد در اثر مرگ و میر

سوم ؛ مهاجرت به کشور و یا مهاجرت از کشور

شکل هرم سنی

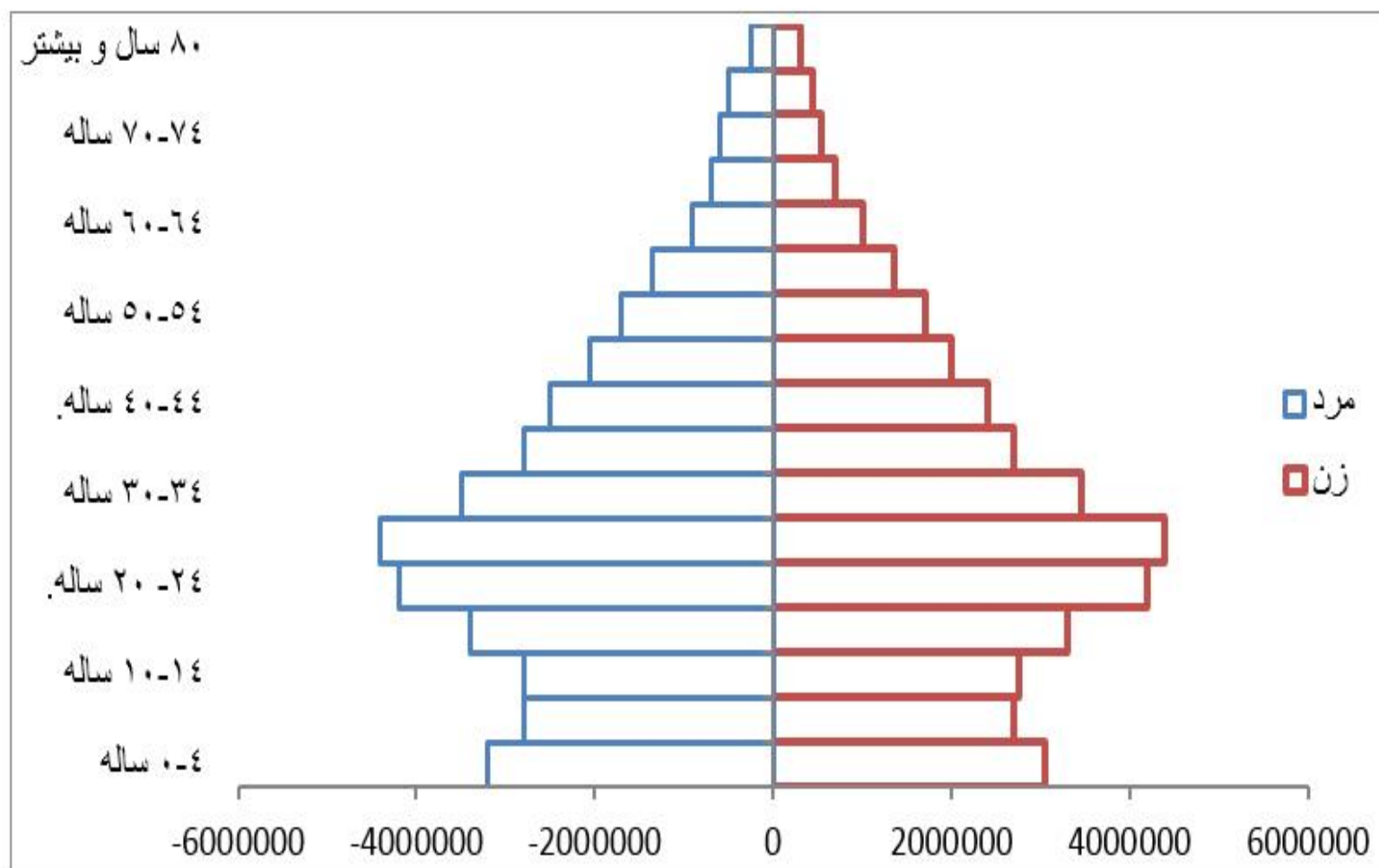
هرم سنی در جمعیت های جوان معمولاً مثلثی شکل با قاعده وسیع می باشد و به شکل زنگوله ای است در جمعیت های سالخورده زنگی(زنگ ناقوس) شکل می باشد و بین این دو نوع شکل انواع مختلف جمعیت را از لحاظ ساختمان سنی می توان یافت.

هرم سنی جمعیت کشور به سمت سالخوردگی پیش می رود. متخصصان علوم جمعیت شناسی بیان می کنند در صورتی که یافته های حاصل از سرشماری نفوس و مسکن به آینده تعمیم یابد، قابل پیش بینی است که طی سال های ۱۳۸۵ تا ۱۴۳۰ نسبت سنی جمعیت به کمتر از ۱۵ ساله کاهش و نسبت جمعیت ۱۵ الی ۵۹ ساله و جمعیت سالمند افزایش یابد. در حال حاضر نتایج حاصله گویای آن است که اوایل دهه ۱۴۰۰ هجری شمسی، جمعیت ایران رو به سالمندی خواهد رفت و به این ترتیب در اوایل دهه ۱۴۲۰ کشور با "سونامی جمعیت سالمند" رو به رو خواهد شد.

نتایج یک تحقیق، نشان می دهد جمعیت کشور از حدود ۷۰ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر در سال ۸۵ به حدود ۹۰ میلیون نفر در سال ۱۴۳۰ خواهد رسید. به عبارت دیگر رنج سنی جمعیت ایران در این دوره ۴۵ ساله، نزدیک به ۳۰ درصد رشد خواهد داشت. در حالی که رشد جمعیت سالمند ۴۰۰ درصد خواهد بود

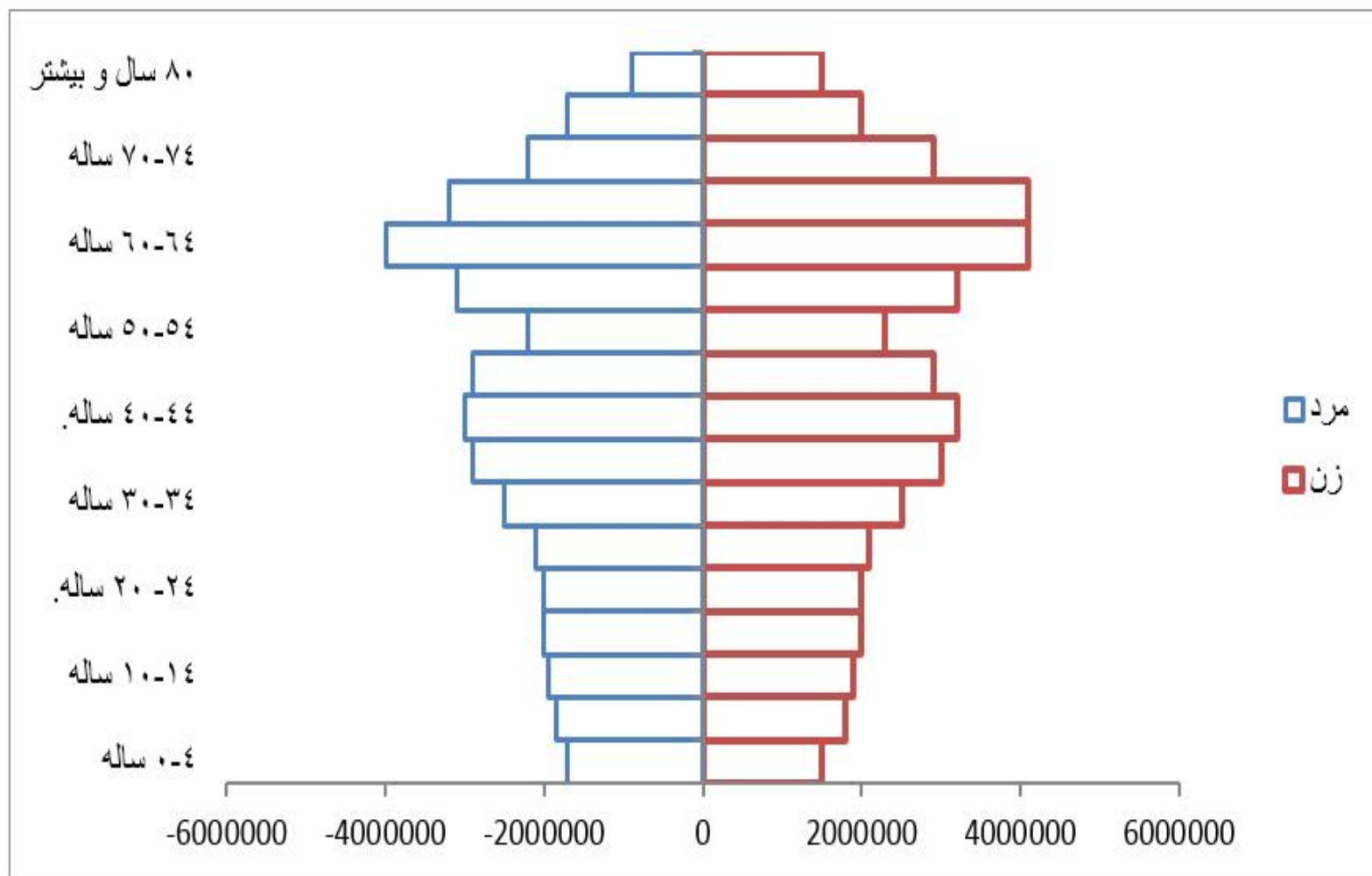
در طراحی این نقشه تصویری، که در آن از نمودار هرم سنی جمعیت ۱۳۹۰ (شکل شماره ۱) و ۱۴۳۰ (شکل شماره ۲) به عنوان نماد جمعیت استفاده گردیده است، وضعیت جمعیت کنونی ایران و ایران آینده در سال ۱۴۳۰ نمایش داده شده است که هشدارى در خصوص بالا رفتن میانگین سنی جمعیت و تغییر نگران کننده هرم سنی جمعیت را به بیننده نمایش می دهد. بدین منظور در طراحی این نقشه سعی بر این شد که هرم سنی جمعیت در ایران ۱۳۹۰ و ۱۴۳۰ به طور هم زمان نمایش داده شود تا بیننده این نقشه، به وضوح متوجه وارونه شدن هرم سنی جمعیت (با این پیش فرض که نرخ رشد جمعیت به صورت فعلی ادامه یابد و بدون در نظر گرفتن سیاست های افزایش جمعیت) در سال ۱۴۳۰ که نمایانگر جمعیت زیاد در رده سنی بالای شصت سال، نسبت به سال ۱۳۹۰ می باشد و همان جمعیت سالمند کشور نامیده می شود، به گونه ای مقایسه ای مشاهده گردد

فصل دوم :



شکل شماره ۱- نمودار هرم سنی جمعیت در سال ۱۳۹۰

فصل دوم :



شکل شماره ۲- نمودار هرم سنی جمعیت در سال ۱۴۳۰

فصل دوم :

تراکم جمعیت

تراکم جمعیت شاخصی است که رابطه بین وسعت منطقه و تعداد جمعیت را معین میکند و آن را می توان به چند نوع محاسبه کرد تراکم حسابی، تراکم زیستی، تراکم اقتصادی و غیره.

الف؛ تراکم حسابی: میزان تراکم حسابی جمعیت، عبارت است از رابطه بین وسعت کمی منطقه و جمعیت آن یا به عبارتی نسبت تعداد جمعیت به واحد خاک.

میزان تراکم حسابی جمعیت را می توان برحسب مناطق مختلف مانند قاره، منطقه، کشور، استان، شهرستان و ... محاسبه کرد. تراکم حسابی برای کشور ایران در سال ۱۳۷۰ برابر با ۳۴ نفر در کیلومتر مربع بود.

فصل دوم :

ب؛ تراکم زیستی: میزان تراکم زیستی یا حیاتی جمعیت عبارت است از رابطه میان وسعت زمین های زیر کشت یا قابل کشت یک منطقه با جمعیت آن و به سخنی دیگر نسبت تعداد جمعیت در واحد زمین زراعی.

ج؛ تراکم اقتصادی

میزان تراکم اقتصادی عبارت است از رابطه میان تعداد جمعیت یک منطقه با منابع اقتصادی یا مجموع وسایلی که انسانها برای ادامه زندگی از آن برخوردارند. میزان تراکم اقتصادی شاخصی است که با وجود دشواری محاسبه مهمترین ملاک ارزیابی نسبت جمعیت با محیط جغرافیایی مسکون به حساب می آید زیرا برعکس میزان تراکم حسابی که زمین های بلا استفاده را نیز وارد محاسبه می کند و یا میزان تراکم زیستی که از منابع اقتصادی، تنها به زمین زراعی توجه دارد میزان تراکم اقتصادی تمام منابع اقتصادی را در نظر می گیرد.

فصل دوم :

وقایع دموگرافیک

وقایع دموگرافیک که آنها را «حرکات جمعیت» نیز می‌نامند شامل موارد ذیل می‌باشد:

الف ؛ تولد و باروری

ب ؛ مرگ و میر

ج ؛ مهاجرت

د ؛ ازدواج و طلاق

فصل دوم :

امید به زندگی

امید به زندگی را می‌توان به طور ساده ، میزان متوسط سالهایی که انتظار می‌رود یک فرد در یک کشور به آن عمر برسد ، تعریف کرد، امید به زندگی از مهمترین شاخصهای بهداشتی، زیستی می باشد ، امید به زندگی شدیداً به امکانات و تسهیلات رفاهی موجود در جامعه بستگی دارد، لذا میزان این شاخص در کشورهای مختلف متفاوت میباشد. سن امید به زندگی در اوایل انقلاب حدود ۵۷ سال بود که طبق بررسی های صورت گرفته این شاخص در یال ۱۳۸۲ به ۷۲ سال افزایش یافته است.

فصل دوم :

قالب های تشویق به افزایش جمعیت :

دستورات و راهنمایی های دینی اسلام در جهت تشویق موالید در سه قالب بیان شده است:

یکم ؛ در قالب ازدواج: زنان و مردان مجرد و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید. اگر فقیر باشند خداوند از فضل خود بی نیازشان خواهد گردانید.
سوره ی نور آیه ۳۲

دوم ؛ در قالب زنان پر اولاد: بهترین زنان شما زنی است که بچه آور، مهربان و پاکدامن باشد. پیامبر(ص)

سوم ؛ در قالب اولاد: نوزادی که در میان امت من متوالد می شود برای من از آنچه که خورشید بر آن می تابد محبوب تر است. پیامبر(ص)

فصل دوم :

تعریف خانواده

«خانواده آن عبارتست از یک واحد اجتماعی، ناشی از ازدواج یک زن و یک

مرد که فرزندان پدید آمده از آنها آن را تکمیل می کنند». تعریف

دیگری خانواده را شامل مجموعه ای از افراد می داند که با هدف و منافع

مشترک زیر سقفی گرد هم می آیند.

اسلام «خانواده را گروهی متشکل از افراد، دارای شخصیت مدنی، حقوقی

و معنوی معرفی می کند که هسته اولیه آن را ازدواج مشروع زن و مردی

تشکیل می دهد»

فصل دوم :

خانواده و اقسام آن

در جمعیت شناسی خانواده به دو دسته تقسیم می شود :

خانواده گسترده: خانواده گسترده، خانواده‌ای است که از یک زن و مرد و فرزندان ازدواج کرده و نکرده‌ی آنان، همسر و کودکان فرزندان ازدواج کرده و خویشاوندان و وابستگان دیگر تشکیل می‌شود و بیش از دو نسل می‌باشند.

خانواده هسته‌ای: خانواده هسته‌ای یا خانواده زن و شوهری، خانواده‌ای است مرکب از یک زن و یک مرد با تعداد فرزندان ازدواج نکرده. در خانواده هسته‌ای حداکثر دو نسل وجود دارد.

فصل دوم :

تیپهای خانواده:

خانواده را از حیث روابط درونی و میزان استحکام آنها، می توان به چهار تیپ تقسیم نمود که هریک ویژگیها، کارکردها و تاثیرات خاص خود را داراست. این تیپها عبارتند از :

الف ؛ خانواده متلاشی

ب ؛ خانواده متزلزل

ج ؛ خانواده متعادل

د؛ خانواده متعالی

فصل دوم :

الف ؛ خانواده متلاشی:

خانواده متلاشی عبارت است از اینکه یک یا چندین تن از اعضای خانواده به علت شکستن واحد خانوادگی یا تجزیه برخی از نقشها از عهده انجام تکالیف ناشی از نقش خود آنطور که باید و شاید برنیامده‌اند. عدم حضور پدر یا مادر به دلیل مرگ و میر ، طلاق ، زندان و یا بیماری هریک از آنها که موجب عدم انجام وظیفه هر یک از آنها شده است از مهمترین انواع خانواده های از هم گسیخته است.

فصل دوم :

ب؛ خانواده متزلزل:

خانواده، متزلزل از هدف اصلی زندگی بازمانده و آرمانش را از دست داده است ، جایگاه و منزلت برخی اعضا، مشخص نبوده و برای آن ها فردای روشن و امید به زندگی وجود ندارد.

مدیریت در این خانواده ها تجزیه شده و تصمیم گیری در آن به غایت دشوار است و جاذبیت زندگی به میزان قابل ملاحظه ای کاهش یافته و انگیزه چندانی برای پایبندی اعضای آن به میثاق زندگی وجود ندارد.

فصل دوم :

در خانواده متزلزل مسئولیت پذیری از توزیع عادلانه ای برخوردار نبوده و مشکلات و مسائل جزئی به سادگی به بحران یا تشنج تبدیل می شود و انتقادهای اعضا از یکدیگر به شکلی مستقیم، مستمر و غیر منصفانه صورت می گیرد.

لازم به ذکر است که در تیپ خانواده متزلزل، ساختار خانواده قابل ترمیم بوده و با بهره گیری از شیوه های درمانی به ویژه خانواده درمانی (family therapy) توانایی افراد برای غلبه بر مشکلات افزایش می یابد و به تدریج به الگوی خانواده متعادل نزدیک می شود.

ج؛ خانواده متعادل (بهنجار):

در خانواده های متعادل هر فرد در موقعیت واقعی خویش قرار گرفته و از جانب دیگران نیز مورد حمایت و تایید واقع می گردد. عواطف، مسئولیتها و امتیازات به طور عادلانه میان افراد توزیع میشود و امنیت و جذابیت کافی برای افراد وجود داشته و چیزی بر دلبستگی به خانواده، ترجیح داده نمی شود. در این گونه خانواده ها مدیریت متکی بر روابط انسانی و برخوردار از مشورت و هماهنگی با افراد، اعمال می شود و انتقادها، به شیوه ای غیر مستقیم، موردی، فردی و منصفانه انجام می گیرد. مشکلات از افراد تفکیک شده به جای حمله به فرد، تلاش برای مسئله بازشناسی و حل شود. تبادل عاطفی به شیوه های قلبی، کلامی و عملی انجام می گیرد.

فصل دوم :

د؛ خانواده متعالی:

در خانواده های متعالی نه تنها مشکلات مورد بررسی قرار می گیرد و تلاش برای حل آنها می شود (خانواده متعادل) بلکه ظرفیتها و استعدادهاى افراد تا مرز خودشکوفایی مورد استفاده قرار می گیرد و افراد نه تنها به رشد و پیشرفت خویش، بلکه به اعتلای جمعی اعضای خانواده می اندیشند و برای تحقق آن، طرح و اندیشه جدیدی ارائه می دهند. کار و مسئولیت، به زندگی معنا و دوام می بخشد.

تلاش افراد معطوف به دستیابی به بهترین تجربه است و همکاری و اشتراک مساعی دیگران، تحقق این هدف را تسهیل می نماید و هر شکست، یک تجربه و فرصتی برای ارزیابی موقعیت در نیل به پیروزی تلقی می شود.